

شماره آزمون	مبحث آزمون	صفحه سؤال	صفحه پاسخ نامه تشریحی
۱	درس ۱ - دهم	۸	۱۴۹
۲	درس ۲ - دهم	۱۱	۱۵۱
۳	درس های ۱ و ۲ - دهم	۱۳	۱۵۴
۴	درس های ۳ و ۴ - دهم - ۰۱	۱۸	۱۵۵
۵	درس های ۳ و ۴ - دهم - ۰۲	۲۰	۱۵۸
۶	درس ۵ - دهم	۲۵	۱۶۰
۷	درس ۶ - دهم	۲۸	۱۶۳
۸	درس های ۵ و ۶ - دهم	۳۰	۱۶۵
۹	درس های ۱ تا ۶ - دهم	۳۲	۱۶۷
۱۰	درس ۷ - دهم	۳۶	۱۶۹
۱۱	درس ۸ - دهم	۴۰	۱۷۱
۱۲	درس های ۷ و ۸ - دهم	۴۲	۱۷۴
۱۳	جامع دهم - ۰۱	۴۴	۱۷۶
۱۴	جامع دهم - ۰۲	۴۷	۱۷۹
۱۵	جامع دهم - ۰۳	۵۰	۱۸۱
۱۶	درس ۱ - یازدهم	۵۳	۱۸۳
۱۷	درس ۲ - یازدهم	۵۷	۱۸۵
۱۸	درس ۳ - یازدهم	۶۱	۱۸۷
۱۹	درس های ۱ تا ۳ - یازدهم	۶۳	۱۹۰
۲۰	درس ۴ - یازدهم	۶۸	۱۹۱
۲۱	درس ۵ - یازدهم	۷۲	۱۹۴
۲۲	درس های ۴ و ۵ - یازدهم	۷۴	۱۹۶
۲۳	درس ۶ - یازدهم	۷۸	۱۹۸
۲۴	درس ۷ - یازدهم	۸۲	۲۰۰
۲۵	درس های ۶ و ۷ - یازدهم	۸۴	۲۰۲
۲۶	جامع یازدهم - ۰۱	۸۶	۲۰۴
۲۷	جامع یازدهم - ۰۲	۸۹	۲۰۷
۲۸	جامع یازدهم - ۰۳	۹۱	۲۱۰
۲۹	درس ۱ - دوازدهم - ۰۱	۹۶	۲۱۱
۳۰	درس ۱ - دوازدهم - ۰۲	۹۸	۲۱۳
۳۱	درس ۲ - دوازدهم - ۰۱	۱۰۲	۲۱۵
۳۲	درس ۲ - دوازدهم - ۰۲	۱۰۴	۲۱۷
۳۳	درس های ۱ و ۲ - دوازدهم	۱۰۶	۲۱۹
۳۴	درس ۳ - دوازدهم - ۰۱	۱۱۰	۲۲۱
۳۵	درس ۳ - دوازدهم - ۰۲	۱۱۲	۲۲۳
۳۶	درس ۴ - دوازدهم	۱۱۶	۲۲۵
۳۷	درس ۵ - دوازدهم	۱۲۰	۲۲۷
۳۸	درس های ۳ تا ۵ - دوازدهم	۱۲۲	۲۲۹
۳۹	جامع دوازدهم - ۰۱	۱۲۴	۲۳۱
۴۰	جامع دوازدهم - ۰۲	۱۲۷	۲۳۳
۴۱	مطابق کنکور عمومی انسانی	۱۳۰	۲۳۵
۴۲	مطابق کنکور عمومی انسانی	۱۳۲	۲۳۸
۴۳	مطابق کنکور عمومی انسانی	۱۳۵	۲۴۰
۴۴	مطابق کنکور عمومی انسانی	۱۳۸	۲۴۳
۴۵	مطابق کنکور اختصاصی انسانی	۱۴۱	۲۴۵
۴۶	مطابق کنکور اختصاصی انسانی	۱۴۳	۲۴۷
۴۷	مطابق کنکور اختصاصی انسانی	۱۴۵	۲۴۹

پایه دهم

پایه یازدهم

پایه دوازدهم

آزمون های جامع

• عَيِّن الصَّحِيح في ترجمة العبارات من أو إلى العربية:

۴۱- ﴿يا أيها الذين آمنوا لِمَ تقولون ما لا تفعلون﴾ ای کسانی که

- (۱) ایمان دارید چرا چیزی را می‌گویید ولی انجام نمی‌دهید؟
 - (۲) مؤمن هستید از چه رو می‌گویید آن چه را که انجام نداده‌اید؟
 - (۳) ایمان آورده‌اید چه طور آن چه را که انجام نمی‌دهید بیان می‌کنید؟
 - (۴) ایمان آوردید برای چه چیزی را می‌گویید که انجام نمی‌دهید؟
- ۴۲- «قد اقترحتُ لمعلّمتي أن تقوم بجمع النفايات في ساحة المدرسة بعد انتهاء حصّة تمارس فيها الرّميات نشاطات حرّة!»: (۱) به معلممان پیشنهاد دادم که پس از پایان زنگی که بچه‌ها فعالیت‌های آزاد انجام می‌دهند زباله‌های حیاط مدرسه را جمع‌آوری کنیم! (۲) به معلم خود پیشنهاد کرده‌ام وقتی زنگی که در آن همکلاسی‌ها فعالیت آزاد انجام می‌دهند پایان یافت، به جمع کردن زباله‌ها در حیاط مدرسه اقدام کنیم! (۳) به معلم پیشنهاد داده بودم بعد از آن که زنگ انجام فعالیت‌های آزاد همکلاسی‌ها تمام شد به جمع‌آوری زباله‌های حیاط مدرسه اقدام کنیم! (۴) به معلم خود پیشنهاد کرده‌ام بعد از پایان زنگی که در آن همکلاسی‌ها فعالیت‌های آزاد انجام می‌دهند به جمع کردن زباله‌ها در حیاط مدرسه بپردازیم!
- ۴۳- «إنّ ربّي ذو حکمة بالغة فجّهز کلّ إنسان بقوّة مفكرة ليقوّم الشّدائد!»: (۱) به راستی پروردگارم که دارای حکمتی کامل است، هر انسانی را به نیرویی اندیشمند مجهز ساخته تا از سختی‌ها برتر باشد! (۲) بی‌تردید پروردگارم حکمتش کامل است، پس هر انسانی را با نیروی خرد مجهز کرد تا بتواند بر سختی‌ها برتری یابد! (۳) بدون شک پروردگارم صاحب حکمتی کامل است، پس هر انسانی را به نیرویی اندیشمند مجهز کرده تا بر سختی‌ها برتری پیدا کند! (۴) به راستی پروردگارم دارای حکمتی کامل است، پس انسان را اندیشه‌ای نیرومند مجهز نموده تا بر سختی‌ها برتری بیابد!

۴۴- «إذا نتعاونُ کُنّا في تنظيف البيئة يمكن أن نتخلص من هذا الاغبرار الّذي يسبّب الأمراض المختلفة!»: (۱) اگر همگی در پاکسازی محیط زیست همیاری کنیم، امکان دارد که از این غبار آلودگی که باعث بیماری‌های مختلف می‌شود، خلاص شویم! (۲) وقتی همدیگر را در پاکیزگی محیط زیست کمک کنیم، خلاص شدن از این غباری که باعث بیماری‌های مختلفی شده، ممکن می‌شود! (۳) هرگاه همگی مان در پاکسازی محیط زیست همیاری کنیم، ممکن است از غبارهایی که باعث بیماری‌های مختلفی می‌شود خلاص شویم! (۴) اگر همگی مان در پاک نگاه‌داشتن محیط زیست یاری کنیم، امکان دارد از این غبار آلودگی که عامل بیماری‌های مختلف شده است خلاصی یابیم!

۴۵- «ما أجمل بلاداً يزين شعبها نفسه بالأخلاق الحسنه فيصيرها أسوة للبلاد الأخرى!»: (۱) کشوری که مردمش خود را با اخلاق نیکو می‌آرایند واقعاً زیباست، زیرا آن را الگویی برای کشورهای دیگر قرار می‌دهند! (۲) چه زیباست کشوری که ملتش به اخلاق نیکو آراسته‌اند، زیرا خود را الگویی برای کشورهای دیگر می‌گردانند! (۳) کشوری که ملتش خود را به اخلاق نیکو بیارایند بسیار زیباست و برای کشورهای دیگر نیز الگو قرار می‌گیرند! (۴) چه زیباست کشوری که ملتش خود را به اخلاق نیک آراسته می‌کنند پس آن را الگویی برای کشورهای دیگر می‌گردانند!

۴۶- عَيِّن الصَّحِيح:

- (۱) إطفاء مصابيح الحجرات الفارغة واجب كلّ منّا: خاموش کردن چراغ‌های اتاق‌هایی که خالی‌اند وظیفه همه ماست!
- (۲) جاء المدير بلوچ عليه أسماء أفضل عشرة الطلاب: مدير تابلویی را آورد که روی آن نام‌های ده دانش‌آموز برتر بود!
- (۳) سُررات الشمس المستعرة تنشر الحرارة على الأرض: اخگرهای فروزان خورشید است که بر زمین گرما را پخش می‌کند!
- (۴) عندئذ طفاً نجمٌ في السماء و فهمتُ أنه قد مات: هنگامی که در آسمان ستاره‌ای خاموش شد فهمیدم که آن مرده است!

۴۷- عین الخطأ:

- (۱) هذه الغيوم سوداء و تخبرنا عن نزول مطر شديد: این ابرها سیاه هستند و ما را از نزول باران شدیدی باخبر می کنند!
 (۲) الأعمار هي الاجرام السماوية التي تدور حول سيارّة: قمرها همان اجرام آسمانی هستند که به دور یک سیاره گردش می کنند!
 (۳) أوراق الأشجار المنهمرة دليله على أنّ الخريف قد جاء: برگ های ریزان درختان نشانه این است که پاییز آمده است!
 (۴) هذه أماكن تمتلكها الدولة ولكن ينتفع بها جميع الناس: این مکان ها مالکش دولت است ولی همه مردم از آن ها بهره مند می شوند!

۴۸- «این مدرسه چهارده کلاس دارد و در هر کلاس سی دانش آموز هست!»:

- (۱) هذه مدرسة لها أربعة و عشر صفّاً و في كلّ صفّ ثلاثون تلميذاً!
 (۲) لهذه المدرسة أربعة عشر صفوفاً و لكلّ صفّ ثلاثون تلاميذاً!
 (۳) هذه المدرسة لها الرابعة عشرة صفّاً و في كلّ الصفوف ثلاثون تلميذةً!
 (۴) لهذه المدرسة أربعة عشر صفّاً و في كلّ صفّ ثلاثون تلميذةً!

۴۹- عین الأبعد عن مفهوم عبارة «من زرع العدوان حصد الخسران»:

- (۱) آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است
 (۲) انگشت مکن رنجه به در کوفتن کس
 (۳) درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد
 (۴) هزار دشمنم ار می کنند قصد هلاک
 با دوستان مرّوت با دشمنان مدارا!
 تا کس نکند رنجه به در کوفتن مشت!
 درخت دشمنی برکن که رنج بی شمار آرد!
 گزرم تو دوستی از دشمنان ندارم باک

● عین الخطأ عن الإعراب و التحليل الصرفي:

۵۰- «الهواتف آلات لنقل الأصوات من مكان إلى مكان آخر!»:

- (۱) الهواتف: اسم - جمع تكسير و مفردة «هاتف» - على وزن «فواعل» - معرفة/ مبتدأ و مرفوع
 (۲) آلات: جمع تكسير و مفردة «آلة» و هي مؤنثة - نكرة - معرب/ خبر و مرفوع
 (۳) نقل: اسم - مفرد - مذکر - مصدر من فعل مجزّد ثلاثي - معرب/ مجرور بحرف الجرّ
 (۴) الأصوات: جمع تكسير و مفردة «صوت» - معرّف بأل/ مضاف إليه و مجرور

۵۱- «هل تعلم أنّ ثمانين في المئة من موجودات العالم حشرات؟»:

- (۱) هل: حرف من حروف الاستفهام - ليس له محل إعرابي في الجملة - جوابه «نعم» أو «لا»
 (۲) ثمانين: من الأعداد الأصلية - نونه مفتوحة دائماً/ اسم أنّ و منصوب بالياء
 (۳) تعلم: فعل مضارع - للغائبة أو للمخاطب - على وزن «فعل، يفعل» (= مجزّد ثلاثي) - معرب
 (۴) موجودات: جمع سالم للمؤنث - على وزن «مفعول» - حروفه الأصلية: «ج و د»/ مجرور بحرف الجرّ

۵۲- «رَبَّنَا لا تَجْعَلْنَا مع القوم الظّالمين»:

- (۱) لا تَجْعَلْ: فعل مضارع للتّهيي - للغائبة - مجزّد ثلاثي - معلوم - متعدّد/ فعل مع فاعله جملة فعلية
 (۲) نا (التّاني): ضمير متصل - للمتكلّم مع الغير - مبني/ مفعول أو مفعول به
 (۳) القوم: اسم - يدلّ على الجمع - معرّف بأل - معرب/ مضاف إليه و مجرور
 (۴) الظّالمين: جمع سالم للمذکر - على وزن «فاعِل» - معرب - معرفة/ صفت و مجرور بالتبعية لـ «القوم»

۵۳- عین الخطأ عن ضبط حركات الحروف:

- (۱) الكلام كالدّواء قَلِيْلُهُ يَنْفَعُ و كَثِيْرُهُ قَاتِلٌ!
 (۲) الفائزُ الثّاني يأخُذُ الجائزةَ الفِضِيّةَ!
 (۳) سافَرْنَا إلى قَرْيَةٍ لأنّنا بِحاجَةٍ إلى الهدوءِ!
 (۴) بعدَ الاضطِفافِ الصّباحيِّ دَهَبْنَا إلى الصّفِّ العاشِرِ!

۵۴- عین عبارة فيها اسم مثنى:

- (۱) أغصان هذه الشجرة تُعطي أثماراً لذیذةً في الصیف!
 (۲) الفستان من الملابس النسائيّة التي ذات ألوان مختلفة!
 (۳) سار الصيادون نحو الغابة لصيد الغزلان الجميلة!
 (۴) يجرى أجر استغفار الولد للوالدين بعد موتهما!

۵۵- «الأطفال الذين لا يتناولون الحليب الطازج في أكثر الأوقات يحدث لهم ضعف في الساقين!» عین سؤالاً غير مناسب:

- (۱) من يحدث له ضعف في الساقين؟
 (۲) لم يحدث ضعف في الساقين في الأطفال؟
 (۳) من أي مرض يمنع تناول الحليب الطازج؟
 (۴) متى يتناول الأطفال الحليب الطازج؟

۵۶- عین الصحیح عن اسم الإشارة:

- (۱) هؤلاء الأشجار جميلة في الربيع!
 (۲) خلق الله هذا الشمس و السماء!
 (۳) يا تلميذتان! لا تقربا هاتين الشجرتين!
 (۴) هذه الطالبات يدرسن في المدرسة!



٥٧- عَيِّن الصَّحِيحَ عَنِ الْأَفْعَالِ:

- (١) هَذَانِ الْأَخْوَانُ يَسْكُنُونَ فِي مَزْرَعَةٍ يَجْرِي فِيهَا نَهْرٌ صَغِيرًا!
 (٣) قَلْتُ لِلزَّمِيلَاتِ: لِمَ لَا تَكْتَبِينَ مَا دَرَسْتَهَا الْأُسْتَاذَةُ؟

٥٨- «رَقْمٌ عُرِفْتِي فِي الْفُنْدُقِ كَانَ» عَيِّنِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ لِلْفَرَاغِ:

- (١) خَمْسَةٌ وَعِشْرِينَ!
 (٣) الْخَامِسَ وَالْعِشْرِينَ!
 (٢) الْأَوَّلَ وَالْعِشْرِينَ!
 (٤) الْعِشْرِينَ وَالْخَامِسَ!

٥٩- عَيِّنِ عَمَلِيَّةً حِسَابِيَّةً يَخْتَلِفُ جَوَابُهَا:

- (١) أَحَدٌ عَشْرٌ فِي ثَلَاثَةٍ
 (٣) سِتَّةٌ وَسِتُّونَ تَقْسِيمٌ عَلَى ثَلَاثَةٍ
 (٢) أَرْبَعُونَ نَاقِصٌ سَبْعَةَ
 (٤) عِشْرُونَ زَائِدٌ ثَلَاثَةَ عَشْرٍ

٦٠- «لِي تِسْعَةُ عَشْرَ زَمِيلًا فِي الصَّفِّ، نَجَحْنَا كُلَّنَا فِي الْامْتِحَانِ إِلَّا خُمُسًا مِّنَّا!» كَمْ تَلْمِيزًا نَجَحَ فِي الْامْتِحَانِ؟

- (١) سِتَّةَ عَشْرَ
 (٢) أَرْبَعَةَ عَشْرَ
 (٣) أَرْبَعَةَ
 (٤) خَمْسَةَ

• نوع آزمون: تجمعی دروس

• موضوع: درس‌های ۵ و ۶ - دهم

• ۲۰ تست در ۲۰ دقیقه

• صفحه کتاب درسی: ۷۰ - ۴۷



• عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي تَرْجُمَةِ الْعِبَارَاتِ مِنْ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ:

۱۴۱- ﴿لَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ﴾

- (۱) وقتی مؤمنان احزاب را دیدند، گفتند این همان وعده‌ای است که خداوند به ما داد.
 - (۲) در این هنگام مؤمنان احزاب را دیدند، پس گفتند این است وعده‌ای که خداوند داده بود.
 - (۳) زمانی که مؤمنان گروه‌ها را دیدند، گفتند این چیزی است که خداوند به ما وعده داده بود.
 - (۴) هنگامی که مؤمنان گروه‌ها را دیدند، گفتند این چیزی نیست که خداوند وعده داده بود.
- ۱۴۲- «بِعَدَمَا تَشْرَفْنَا بِزِيَارَةِ الْمَدِينِ الْأَرْبَعَةِ الْمُقَدَّسَةِ قَصْدُنَا مَشَاهِدَةَ قَصْرِ بِنَاءِ أَحَدِ الْمُلُوكِ السَّاسَانِيِّينَ!»:

- (۱) پس از آن‌که به دیدن شهر مقدس چهارم مشرف شویم، قصد داریم قصری که یکی از پادشاهان ساسانی ساخته است را ببینیم!
- (۲) بعد از این‌که به دیدار چهار شهر مقدس تشرف یافتیم، قصدمان دیدن کاخی است که یکی از پادشاهان ساسانیان آن را بنا کرده است!
- (۳) پس از این‌که به دیدن شهر مقدس چهارم مشرف شدیم، قصد کردیم کاخی را ببینیم که یکی از پادشاهان ساسانی ساخته است!
- (۴) بعد از آن‌که به دیدار چهار شهر مقدس تشرف یافتیم، قصد داشتیم قصری را مشاهده کنیم که یکی از پادشاهان ساسانی آن را بنا کرده است!

۱۴۳- «كَنتُ أَظُنُّ أَنَّ صَوْتًا تَمْتَلِكُهُ الْغُرَبَانُ لَا نَفْهَمُهُ بَقِيَّةَ الْحَيَوَانَاتِ وَلَكِنْ فَهَمْتُ أَحْيَرًا أَنَّهُ تَحْذِيرٌ أحيانًا لِابْتِعَادٍ عَنِ خَطَرٍ!»:

- (۱) گمان من این بود که صداهایی که کلاغ دارد را بقیه حیوانات متوجه نمی‌شوند، اما جدیداً فهمیدم که آن گاهی هشدار برای دوری کردن از یک خطر است!
- (۲) گمان می‌کردم بقیه حیوانات صدایی را که کلاغ‌ها مالکش هستند را نمی‌فهمند، ولی به تازگی فهمیدم که بعضی وقت‌ها آن هشدار است برای دور شدن از یک خطر!
- (۳) می‌پنداشتم کلاغ‌ها صدایی دارند که برای بقیه حیوانات نامفهوم است، ولی سرانجام دانستم که آن گاهی اوقات هشدار است برای دور کردن از یک خطر!
- (۴) گمان کرده بودم که صدایی که کلاغ‌ها مالکش هستند را سایر حیوانات نمی‌فهمند، ولی جدیداً فهمیده‌ام که آن معمولاً یک هشدار است برای دور کردن از یک خطر!

۱۴۴- «نَحْنُ إِيرَانِيُّونَ فَنَسْتَطِيعُ أَنْ نَشَجَّعَ الْعَالَمِينَ بِشَرَاءِ صِنَاعَاتِنَا الْيَدَوِيَّةِ وَ مَحَاصِلِنَا الْزَّرَاعِيَّةِ لِنَحْصِلَ عَلَي ثُرَاتٍ عَظِيمَةٍ!»:

- (۱) ما ایرانیانی هستیم که می‌توانیم جهانیان را به خرید محصولات دستی و کشاورزی خود تشویق کنیم تا ثروتی عظیم به دست بیاوریم!
- (۲) ما ایرانیان می‌توانیم جهان را تشویق کنیم که صنایع دستی و کشاورزی ما را بخرند تا ثروت‌های بسیاری را به دست بیاوریم!
- (۳) ما ایرانی هستیم، پس می‌توانیم جهانیان را تشویق کنیم که صنایع دستی و محصولات کشاورزی ما را بخرند تا به ثروت‌های بزرگی دست بیاوریم!
- (۴) ما ایرانی هستیم و برای این‌که ثروت‌های فراوانی را به دست بیاوریم، جهانیان را تشویق می‌کنیم که دستاوردها و محصولات کشاورزی ما را بخرند!

۱۴۵- «إِذَا نَرِيدُ أَنْ يَتَعَرَّفَ السِّيَاحُ عَلَي مَعَالِمِ بِلَادِنَا الْخَلَابَةِ لَا بَدَّ مِنْ اسْتِخْدَامِ الطَّرِيقِ الْجَدِيدَةِ مِنْهَا الْبَطَاقَاتِ الْبَرِيدِيَّةِ!»: اگر می‌خواهیم که

- (۱) گردشگران را با آثار جذاب کشورمان آشنا کنیم، باید روش‌های جدیدی به غیر کارت‌پستال‌ها را به کار ببریم!
- (۲) آثار جذاب کشور را به گردشگران معرفی نماییم، ناچاریم روش‌های نوینی را به کار ببریم، از جمله کارت‌پستال!
- (۳) گردشگران با آثار جذاب کشورمان آشنا شوند، ناگزیر به استفاده از روش‌های جدید هستیم، از جمله کارت‌پستال‌ها!
- (۴) گردشگران با جاذبه‌های تاریخی کشورمان آشنا شوند، ناگزیر هستیم روش‌های نوینی به غیر از کارت‌پستال به کار ببریم!

۱۴۶- عَيْنُ الْخَطَأِ:

- (۱) تحتوي بعض المناطق الريفية أنواعاً من الأعشاب الطيبة: برخی از مناطق روستایی گونه‌هایی از گیاهان دارویی را در بر می‌گیرند!
- (۲) الفيتامينات الموجودة في الفستق تقوي الجهاز الدفاعي لأبداننا: ویتامین‌های موجود در پسته، دستگاه دفاعی بدن‌های ما را تقویت می‌کند!
- (۳) التقاط الصور الجميلة فنّ يمكن أن نتعلّمه بالممارسة الكثيرة: گرفتن عکس‌های زیبا هنری است که با تمرین زیاد ممکن است آن را یاد بگیریم!
- (۴) إني أحتاجُ إلى عدد من الحبوب المهدّئة لتسكين صداعي الشديد: من به تعدادی قرص آرام‌بخش احتیاج داشتم تا سردرد شدیدم بهبود بیابد!

۱۴۷- عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- (۱) إذا استقرَّ الوضع الأمني نسبير إلى مدينة دمشق: اگر امنیت برقرار شود، به سوی شهر دمشق حرکت می‌کنیم!
 (۲) من يُغرق في المدح و الذمَّ يُسَمَّى الأحْمَق: کسی را که در ستایش و بدگویی زیاده‌روی می‌کند احمق می‌نامیم!
 (۳) أ تُقدر أن تُدير عينيك دونَ تحريك رأسك: آیا می‌توانی سرت را بدون حرکت کردن چشمانت بچرخانی؟
 (۴) كيف يمكن ألا تتأثر بأثار تقع في هذا المُتحف: چگونه ممکن است از آثار موجود در این موزه تأثیر نگیریم؟

۱۴۸- «دشمنی دانا بهتر است از دوستی نادان!»:

- (۱) عدوّ عاقل خیر من صديق جاهل!
 (۲) عداوة العاقل أفضل من صداقة الجاهل!
 (۳) عدوّ يعقل خیر من صديق يجهل!
 (۴) أفضل من جهالة الصديق هو عداوة العاقل!

۱۴۹- عَيْنُ الْإِبْعَدِ عَنْ مَفْهُومِ الْآيَةِ الشَّرِيفَةِ: ﴿أ تَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ﴾

- (۱) واعظان کاین جلوه در محراب و منبر می‌کنند
 (۲) تو را به روز ازل با حبیب عهدی بود
 (۳) زهد با نیت پاک است نه با جامه پاک
 (۴) دعوی پیر خرابات به حق بود به حق
 (۱) چون به خلوت می‌روند آن کار دیگر می‌کنند!
 (۲) چه آمدت که فراموش کرده‌ای میثاق؟
 (۳) ای بس آلوده که پاکیزه ردایی دارد!
 (۴) عمل شیخ مناجات ریا بود، ریا

● عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنِ الْإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ:

۱۵۰- ﴿أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾:

- (۱) أنزل: فعل ماضٍ - للمفرد الغائب - مزيد ثلاثي مصدره على وزن «إفعال» - معرب/ فعل مع فاعله جملة فعلية
 (۲) الله: لفظ الجلالة - مفرد - مذکر - على وزن «فَعَال» - معرب/ فاعل و مرفوع بالضمة
 (۳) رسول: مفرد - مذکر - جمع تكسيرة: «رُسل» - على وزن «فَعُول» - معرب/ مجرور بحرف الجرّ بالكسرة
 (۴) المؤمنین: جمع سالم للمذکر - اسم فاعل من مصدر «إيمان» - مبنيّ/ مجرور بالياء

۱۵۱- «أريدُ هذه الأدوية المكتوبة على الورقة!»:

- (۱) هذه: اسم الإشارة - للبعيدة (للمؤنث أو لجمع غير عاقل) - مبنيّ/ مفعول أو مفعول به
 (۲) الأدوية: مفرد - مؤنث - معرب - معرّف بأل/ مضاف إليه و مجرور
 (۳) المكتوبة: اسم - مفرد - مؤنث - على وزن «مفعول» و جمعه «مكاتب»/ صفة
 (۴) الورقة: مفرد - مؤنث - جمعه «أوراق» أو «ورقات» - معرب - معرفة/ مجرور بحرف الجرّ

۱۵۲- «الجمعة يوم الاستراحة للموظفين أو العمال»:

- (۱) يوم: اسم - مفرد (جمعه السالم: أيام) - مذکر - معرب/ خبر من نوع اسم و مرفوع بالضمة
 (۲) الاستراحة: مفرد - مؤنث - مصدر مزيد ثلاثي من «استراح، يَسْتَرِيحُ» - معرفة/ مضاف إليه و مجرور
 (۳) الموظّفين: جمع سالم للمذکر - اسم مفعول من «نُظِفَ، يُنظَفُ» - معرب/ مجرور بالياء
 (۴) العَمال: جمع تكسير و مفردة «عَميل» و هو مذکر - معرب - معرف بأل

۱۵۳- عَيْنُ الْخَطَأِ عَنِ ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْحُرُوفِ:

- (۱) سوقُ تبريز المشهورة أكبرُ سوقٍ مُسَقَّفَةٍ في العالم!
 (۲) يَزِي السَّائِحُونَ إِيْرَانَ بَلَدًا مُمْتَازًا لِقَضَاءِ الْعَطَلَاتِ!
 (۳) إِكْتَشَفَ الْعُلَمَاءُ أَضْوَاءَ تَنْبَعَتْ مِنْ عُيُونِ تِلْكَ الْأَسْمَاكِ!
 (۴) الْقِطُّ يَسْتَخْدِمُ مِنْ عُدَدِ لِسَانِهِ لِإِتِّمَامِ جُرُوحِهِ!

۱۵۴- عَيْنُ الْعَدَدِ فَاعِلًا:

- (۱) تَنَصَّحْنَا الْآيَةَ الْأُولَى أَنْ لَا نَسْخَرَ مِنَ الْآخَرِينَ!
 (۲) كَانَ أَوَّلَ فِلمِ رَأَيْتَهُ يَرْتَبِطُ بِالْمَعْجَزَاتِ الْبَحْرِيَّةِ!
 (۳) إِنْ تَقْرَأْ إِنْشَاءكَ يَنْتَفِعُ بِهِ ثَلَاثُونَ تَلْمِيذًا!
 (۴) تَقَعُ الْأَهْرَامُ الثَّلَاثَةُ فِي مِصرَ وَ تَجْذِبُ آلَافًا مِنَ السِّيَّاحِ!

۱۵۵- عَيْنُ كَلِمَةِ «النَّاسِ» مَفْعُولًا بِهِ:

- (۱) تساقط الأسماك من السماء يُحَيِّرُ النَّاسَ!
 (۲) يحتفل هؤلاء الناس بيوم تمطر فيه أسماكًا!
 (۳) بعد سقوط الأسماك يأخذها الناس لطبخها!
 (۴) تعجّب الناس من هذه الظاهرة كان كثيراً جداً!

۱۵۶- عَيْنُ الْخَطَأِ عَنِ تَعْيِينِ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِـ «مَا»:

- (۱) ﴿قَالُوا: هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ﴾ ← خبر
 (۲) ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا﴾ ← مفعول
 (۳) كتابة ما في قلبك على ورقة تُسَبِّبُ هدوءك. ← مضاف إليه
 (۴) ما قسم الله شيئاً أفضل من العقل. ← مبتدأ



۱۵۷- عین الخبر ليس معرباً:

- ۱) الأعشاب الطبیة نباتات تستخدم لعلاج الأمراض!
- ۲) أفضل العلم ما یصلح عمل صاحبه و ینفع الآخرين!
- ۳) البَطّ هو الطائر الذي یقدر أن یعیث في البرّ و الماء!
- ۴) نَوْم على علم خیر من صلاة على جهل!

۱۵۸- عین ما ليس فيه مجرورٌ بالياء:

- ۱) عشرة في أربعة يساوي أربعين!
- ۲) رضا الله في رضا الوالدين!
- ۳) هؤلاء الطلاب محترمون عند المعلمين!
- ۴) إطعام المساكين واجب على كل المؤمنین!
- ۱) هل تعلم أنّ الحرباء ذات عيون متحركة؟
- ۲) أنشد الشاعران قصدين جميلتين حول إيوان كسرى!

۱۵۹- عین الصفة یختلف إعرابها:

- ۱) في الغرفة الثالثة مكيف لا یعمل جيداً!
- ۲) بحر قزوين بمنظرها الجميلة رائعة جداً!

۱۶۰- عین الخبر موصوفاً و مضافاً معاً:

- ۱) هذه المقبرة أكبر مقابر العالم!
- ۲) أحبّ عباد الله أنفعهم للناس!
- ۳) أجمل مناطق إيران طبيعتها الخلابة!
- ۴) اللون البنفسجي لغرفة النوم مهديّ الأعصاب!



• موضوع: درس های ۳ تا ۵ - دوازدهم

• نوع آزمون: تجمعی دروس

• صفحه کتاب درسی: ۳۷ - ۸۲

• ۲۰ تست در ۲۰ دقیقه

• عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي تَرْجُمَةِ الْعِبَارَاتِ مِنْ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ:

۷۶۱- ﴿سَجِدَ الْمَلَائِكَةَ كُلَّهُمْ أَجْمَعُونَ إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ﴾:

- (۱) فرشتگان همگی با هم سجده کردند، ولی ابلیس تکبر ورزید، زیرا از کافران بود!
- (۲) همه فرشتگان به سجده افتادند مگر ابلیسی که سرکشی کرد و از کافران شد!
- (۳) همه فرشتگان با هم سجده کردند مگر ابلیس که کبر ورزید و از کافران بود!
- (۴) فرشتگان همگی با هم سجده کردند و فقط ابلیس سرکشی کرد و از کافران شد!

۷۶۲- «مَنْ غَضَّتْ عَيْنَاهُ عَنْ مُحَارَمِ اللَّهِ فَلَنْ يَحْضُرَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بَأَكْبَرٍ!»:

- (۱) آن که چشم‌هایش را از حرام‌های خداوند بر هم نهد، روز قیامت گریان حاضر نخواهد شد!
- (۲) کسی که چشمانش از حرام الهی پوشیده شود، روز قیامت گریان به محضر خداوند نمی‌رسد!
- (۳) هر که دیدگانش از حرام‌های خداوند بر هم نهاده شود، روز قیامت گریان حضور نخواهد یافت!
- (۴) هر کس چشمانش را از حرام‌های خداوند بیوشاند، در حال گریه در روز قیامت حاضر نمی‌کند!

۷۶۳- «رُبَّ ذَنْبٍ يَفْرَحُ فَاعِلُهُ تَفْرِيحًا عِنْدَمَا يَرُتَكِبُهُ وَلَكِنْ يَبْقَى أَثَرُهُ الْمُؤَلِّمَ مَا دَامَ لَمْ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ!»:

- (۱) چه بسا گناهی انجام‌دهنده‌اش را در لحظه‌ای که آن را انجام می‌دهد شاد کند، اما اثر دردآورش تا زمانی که از خدا طلب آمرزش نکرده باقی می‌ماند!
- (۲) گاهی گناهی انجام‌دهنده آن را در زمان ارتکابش واقعاً خوشحال می‌کند، ولی تأثیر زجرآورش تا زمانی که خداوند او را نیامرزیده باقی می‌ماند!
- (۳) چه بسا یک گناه انجام‌دهنده را در زمانی که مرتکبش می‌شود شاد کند، اما اثر دردآورش باقی می‌ماند تا زمانی که خداوند او را بیامرزد!
- (۴) چه بسا گناهی که انجام‌دهنده‌اش را وقتی مرتکبش می‌شود حقیقتاً شاد می‌کند، اما تأثیر دردناکش تا زمانی که از خدا آمرزش نخواست باقی می‌ماند!

۷۶۴- «يَا أَيُّهَا الْكَرِيمُ أَنْزِلْ قَلْبَنَا بِنُورِ الْإِيمَانِ بِكَ إِنْ أَرَادَ تَهْدِينَا إِلَى طَرِيقِ الْوَزَعِ وَالسَّدَادِ!»:

- (۱) ای آن که بخشنده‌ای، قلب‌هایمان را به نور ایمانی روشن کن که ما را به راه پرهیزگاری و درستی هدایت کند!
- (۲) ای کریم، دل‌های ما را به نور ایمان به خودت روشن کن تا ما به راه پرهیزگاری و صواب هدایت شویم!
- (۳) ای با کرامت، دل‌های ما را به نور ایمان به خودت روشن کن، به گونه‌ای که به راه پرهیزگاران و درستکاران هدایت‌مان کند!
- (۴) ای بخشنده، دل‌های ما را به نور ایمان به خود روشن کن، آن گونه که ما را به راه پرهیزگاری و صواب هدایت نماید!

۷۶۵- «إِذَا أَسَرَ التَّشَاؤُمُ عَقْلَ أَحَدٍ يَرَى أَعْمَالَ الْآخِرِينَ خُدْعَةً دَائِمًا فَيَنْفِضَ النَّاسَ مِنْ حَوْلِهِ!»:

- (۱) هرگاه عقل کسی را بدبینی اسیر کند کارهای دیگران را پیوسته نیرنگ می‌بیند، پس مردم از پیرامونش پراکنده می‌شوند!
- (۲) اگر عقل کسی اسیر بدبینی شود، کارهایی که دیگران می‌کنند را همیشه نیرنگ می‌بیند و مردم از اطرافش پراکنده می‌شوند!
- (۳) وقتی که بدگمانی عقل کسی را به اسارت ببرد، کارهای دیگران همیشه نیرنگ به نظرش می‌آید و مردم را از دورش پراکنده می‌کند!
- (۴) هرگاه تنگ‌نظری عقل کسی را اسیر کند، کارهای دیگران را همیشه نیرنگ می‌بیند، پس مردم را از اطرافش پراکنده می‌نماید!

۷۶۶- عَيْنَ الصَّحِيحِ:

- (۱) المتعدّي على حقوق اليتامى لن يعيش معزّزاً: تجاوزکننده به حقوق یتیمان عزتمندانه زندگی نخواهد کرد!
- (۲) أتفرّخ لك أن تجالس مع الذين يتفقّهون مجالسةً: به تو قطعاً پیشنهاد می‌کنم با کسانی که علم می‌آموزند همنشینی کنی!
- (۳) لا ترخص أسعاز البضائع إلا إذا امتنعنا عن شرائها: قیمت کالاها ارزان نمی‌شود، مگر این که از خریدشان خودداری کنیم!
- (۴) بدأت أراقب أعمالی فوجدت أكثرها مخزبة للبيئة: با زیر نظر گرفتن کارهایم فهمیدم که بسیاری از آن‌ها تخریبگر محیط زیست‌اند!



۷۶۷- عَيْنُ الْخَطَا:

- (۱) لا يفيض وعاءُ العلمِ فيضاً و يتسع بما يجعل فيه: ظرف علم بی شک پر نمی شود و با چیزی که در آن قرار داده می شود فراخ می شود!
 (۲) خَيْرَنَا الْأَمِيرُ بَيْنَ الْهَجُومِ عَلَى الْأَعْدَاءِ أَوْ الْإِنْسِحَابِ: فرمانده به ما میان حمله به دشمنان یا عقب نشینی کردن اختیار داد!
 (۳) قَدْ غَرَسْتُ فَسِيلَةً جَوَّزٍ فَأَمَلْتُ أَنْ يَأْكُلَ الْآخَرُونَ أَثْمَارَهَا: نهال گردویی کاشته ام و امید دارم که دیگران میوه هایش را بخورند!
 (۴) الْعَمْرُ يَنْقُضُ تَدْرِيجًا فَاسْتَحْدَمُهُ فِيمَا يَزِيدُ قَدْرَكَ: کاهش عمر تدریجی است، پس آن را در چیزی به کار ببر که قدرت را بیفزاید!
- ۷۶۸- «خداوندا مرا از تمام حادثه های ناگوار نگه داری کن!»:

- (۱) يَا رَبِّ، تَحْمِنِي عَنِ كُلِّ حَوَادِثٍ مَرَّةً!
 (۲) اللَّهُمَّ، احْمِنِي عَنِ جَمِيعِ الْحَوَادِثِ الْمَرَّةَ!
 (۳) إِلَهِي، احْمِنِي مِنْ كُلِّ حَادِثَةٍ مَرَّةً!
 (۴) يَا اللَّهُ، تَحْمِنِي مِنْ جَمِيعِ الْحَوَادِثِ الْمَرَّةَ!

۷۶۹- عَيْنُ الْأَقْرَبِ مِنْ مَفْهُومِ «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ»:

- (۱) چو خود برداشتی اول ز خاکم
 (۲) نبود آفرینش تو بودی خدای
 (۳) گر سینه شود تنگ خدا با ما هست
 (۴) ای همه هستی ز تو پیدا شده
- مده آخر به طوفان هلاکم!
 نباشد همی هم تو باشی به جای!
 گر پای شود لنگ خدا با ما هست!
 خاک ضعیف از تو توانا شده!

● عَيْنُ الْخَطَا عَنِ الْإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ:

۷۷۰- «تَجْتَهِدُ الْأُمَّ فِي تَرْبِيَةِ أَوْلَادِهَا اجْتِهَادًا بِالْعَمَلِ»:

- (۱) تَجْتَهِدُ: فعل مضارع - للغائبة - مزيد ثلاثي - مصدره على وزن «افتعال» - لازم/ فعل و فاعله «الأم»
 (۲) تربية: مفرد - مؤنث - مصدر من مزيد ثلاثي (ماضیه زبّی) - معرب/ مجرور بحرف الجرّ بالكسرة
 (۳) الأم: مفرد - مؤنث - جمعه: «أمهات» - معرب - معرّف بالعلميّة/ فاعل و مرفوع بالضمة
 (۴) اجتهداً: مفرد - مذکر - جمعه: «اجتهادات» - مصدر من مزيد ثلاثي - نكرة/ مفعول مطلق لبيان نوع الفعل

۷۷۱- «طَلِبَ الْحَاجَةَ مِنْ غَيْرِ أَهْلِهَا أَشَدَّ مِنَ الْمَوْتِ»:

- (۱) طَلَبَ: اسم - مفرد - مذکر - مصدر من فعل مجرّد ثلاثي - معرب/ مبتدأ و مرفوع بالضمة
 (۲) الحاجة: مفرد - مؤنث - جمعه: «حوائج» أو «حاجات» - معرّف بأل - معرب/ مضاف إليه و مجرور
 (۳) أشدّ: مفرد - مذکر - اسم تفضيل على وزن «أفعل» - معرب - نكرة/ خبر من نوع «الاسم» و مرفوع
 (۴) الموت: مفرد - مؤنث - جمعه: «أموات» - مصدر من «مات، يموت» - معرّف بأل/ مجرور بحرف الجرّ

۷۷۲- «مَنْ لَمْ يُؤَدِّهِ الْوَالِدَانُ صَغِيرًا يُؤَدِّهِ الزَّمَانُ!»:

- (۱) لَمْ يُؤَدِّ: فعل مضارع (يعادل الماضي المنفيّ الفارسي) - مزيد ثلاثي (مصدره «تأديب») - معلوم/ فعل و مفعوله ضمير «ه»
 (۲) الوالدان: مثنى - مذکر - اسم فاعل من فعل «وَلَدَ» - معرّف بأل - معرب/ فاعل و مرفوع بالألف
 (۳) صغيراً: مفرد - مذکر (جمعه: صغار) - نكرة - معرب/ حال و منصوب بالفتحة
 (۴) الزّمن: جمع تكسير و مفرد «زمان» - مذکر - معرب - معرّف بأل/ فاعل و مرفوع

۷۷۳- عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنِ ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْحُرُوفِ:

- (۱) لَا تَتَرَكُوا أَصْدِقَاءَكُمْ بِسَبَبِ زَلَّةٍ تَوْجَدُ فِيهِمْ!
 (۲) إِنَّ الْإِنْسَانَ الْمُتَفَائِلَ لَا يَبْرِي فِي كُلِّ صُعُوبَةٍ إِلَّا الْفُرْصَةَ!
 (۳) الطَّائِرُ الذَّكِيُّ عِنْدَمَا يَتَأَكَّدُ مِنْ خِدَاعِ عَدُوِّهِ يَطِيرُ سَرِيعًا!
 (۴) يَا مَنْ بِدُنْيَاةٍ إِشْتَعَلَ الْمَوْتَ يَأْتِي بَعْتَةً!

۷۷۴- عَيْنُ مَا فِيهِ أَسْلُوبُ الْحَصْرِ:

- (۱) ﴿يَا إِبْلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ﴾
 (۲) لَا يَخْرُجُ السَّمُكُ الْمَدْفُونُ مِنْ تَحْتِ التُّرَابِ إِلَّا بَعْدَ نَزُولِ الْمَطْرِ!
 (۳) أَلَا تَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يُوجَدُ أَحَدٌ كَامِلٌ إِلَّا اللَّهُ؟
 (۴) لَا شَيْءَ أَحَقُّ بِالسَّجْنِ إِلَّا اللِّسَانَ الَّذِي يَجْرَحُ الْقُلُوبَ!

۷۷۵- عَيْنُ عِبْرَةٍ تُبَيِّنُ فِيهَا كَيْفِيَّةَ «قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ»:

- (۱) يَا أَوْلَادِي، اقْرَأُوا الْقُرْآنَ عَامِلِينَ بِآيَاتِهِ!
 (۲) إِنِّي أَقْرَأُ آيَاتِ مِنَ الْقُرْآنِ قِرَاءَةً صَبَاحَ كُلِّ يَوْمٍ!
 (۳) لِنَقْرَأِ الْقُرْآنَ قِرَاءَةً دَائِمًا لِيَخْتَلِطَ بِدَمَانَا وَ لِحِمَانَا!
 (۴) أَنْتِ تَقْرئينِ الْقُرْآنَ قِرَاءَةً حَسَنَةً تَجْذِبُ الْقُلُوبَ!

۷۷۶- عَيْنُ مَا فِيهِ الْمَنَادِي:

- (۱) رَبَّنَا يُعِينُنَا إِذَا دَعَوْنَا لِخُرُوجِنَا مِنْ ظِلْمَاتِ الْجَهْلِ!
 (۲) صَاحِبِ الْمَزْرَعَةِ تَعَدَّيْتَ عَلَى نِظَامِ الطَّبِيعَةِ تَعَدَّى الظَّالِمِينَ!
 (۳) الْعَاقِلُ لَا يُسْرِعُ فِي إِنْجَازِ عَمَلٍ لَا يَعْلَمُ عَاقِبَتَهُ!
 (۴) رَبِّي مَنْ جَعَلَنَا مَخْتَارِينَ فِي قَبُولِ دِينِهِ!

۷۷۷- عین عبارة يُمكن أن تُترجم إيجابياً:

- (۲) ليس الناس قادرين على شراء الفواكه إلا قليلاً منها!
 (۴) ما انزعج الرسول ﷺ من الحاضرين إلا رجلاً فَرَّقَ بين أطفاله!

- (۱) ما قرأتُ هذا الكتاب التاريخي إلا مصادره!
 (۳) لا يتخلَّص من عذاب يوم القيامة إلا مَنْ تاب و أصلح!

۷۷۸- عین الصَّحيح عن الجزء الَّذي أكَد عليه:

- (۲) نَزَلَ اللهُ القرآنَ تنزيلاً لهداية البشر. ← القرآن!
 (۴) تُهدِّدُ الأمطار الحمضية نظام الطبيعة تهديداً. ← «تهدّد»

- (۱) ﴿إِنَّ اللهَ لا يَهْدِي مَنْ هُوَ كاذِبٌ كَفَّارٌ﴾ ← لا يهدي مَنْ...!
 (۳) إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ يَتُوكَلِّونَ عَلَى رَبِّهِمْ تَوَكُّلاً. ← «يتوكلون» فقط!

۷۷۹- عین منادى يُمكن أن يكون مضافاً:

- (۲) أيتها الزميلات أغلِقن حنفيَّات الماء بعد شرب الماء!
 (۴) يا سعيد خير العلم ما ينتفع به النَّاسُ حتَّى بعد موتك!

- (۱) يا أولاد ساعدوا أمكم على القيام بأمر البيت!
 (۳) يا مَنْ يَعْلَمُ ما تَخْفِي في صدورنا لا نَفْضَحنا!

۷۸۰- عین ما فيه المفعول المطلق:

- (۲) لِمَ يَتَدَخَّلُ الإنسان في روابط متداخلة بين الكائنات الحيَّة و بيئتها؟
 (۴) كان نبيِّنا يلاعب الأطفال في الشَّارع مَلعبة الأب!

- (۱) مَنْ يَحِبُّ اللهُ صادِقاً فَلْيَحِبِّ رَسولَهُ و أهلَ البَيْتِ ﷺ!
 (۳) هجوم البومات على الفئران في الحقل كان هجوماً كبيراً!

• عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي تَرْجُمَةِ الْعِبَارَاتِ مِنْ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ:

۸۲۶- ﴿ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا ... ﴾: ای مردم

- (۱) به راستی ما شما را از نر و ماده آفریده و شما را ملت‌ها و قبیله‌ها قرار می‌دهیم تا همدیگر را بشناسید!
- (۲) بدون شک شما را به صورت نر و ماده آفریدیم و ملت‌ها و قبایلی (مختلف) قرار دادیم پس همدیگر را بشناسید!
- (۳) بی‌تردید ما شما را از یک نر و ماده آفریدیم و به شکل ملت‌ها و قبایلی (گوناگون) قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید!
- (۴) بی‌گمان شما از یک نر و ماده آفریده شدید و به صورت ملت‌ها و قبیله قرار دارید تا یکدیگر را بشناسید!

۸۲۷- «هناك في أكثر المناطق من إيران عمارات أثرية و ثقافية يشترك لزيارتها سياح كثيرون اشتياقاً»:

- (۱) بسیاری از مناطق ایران ساختمانی‌های تاریخی و فرهنگی دارند که گردشگران زیادی برای دیدن آن‌ها قطعاً مشتاق‌اند!
- (۲) در بیشتر مناطق ایران بناهایی تاریخی و فرهنگی وجود دارد که گردشگران بسیاری برای دیدن آن‌ها حتماً اشتیاق دارند!
- (۳) آن‌جا در بیشتر مناطق ایران عمارت‌هایی باستانی و فرهنگی وجود دارد که گردشگران برای دیدن آن‌ها بسیار اشتیاق دارند!
- (۴) در بیشتر مناطق ایران بناهایی باستانی و فرهنگی وجود دارد که بدون شک گردشگران برای دیدن آن‌ها بسیار مشتاق‌اند!

۸۲۸- «ازدیاد استهلاك الماء في السنوات الأخيرة أدى إلى تقليل مصادر هذا موضوع يهدد البيئة والكائنات الحية»:

- (۱) مصرف زیاد آب در سال‌های اخیر باعث کاهش منابع آن شده است و این موضوع محیط زیست و موجودات زنده را تهدید می‌کند!
- (۲) بالارفتن مصرف آب در سالیان اخیر منجر به کاهش منابع آن شده و این موضوع تهدیدکننده محیط زیست و زندگی موجودات است!
- (۳) زیادشدن مصرف آب در سال‌های اخیر منجر به کمبود منابع آن شده و این موضوعی است که محیط زیست و موجودات زنده را تهدید می‌کند!
- (۴) در سالیان اخیر افزایش مصرف آب منابع آن را کاهش داده است و این موضوعی است که تهدیدکننده محیط زیست و زندگی موجودات است!

۸۲۹- «كل دابة على الأرض و أي طائر يطير بجناحيه في السماء رزقها على الله»:

- (۱) هر جنبنده‌ای که روی زمین است و پرنده‌ای که با بال‌هایش در آسمان در حال پرواز است روزی‌اش بر عهده خداست!
- (۲) هر چه که روی زمین می‌جنبند و آن پرنده که با بال‌های خود در آسمان پرواز می‌کند روزی‌اش بر عهده خداوند است!
- (۳) هر جنبنده‌ای که در زمین است و هر پرنده‌ای که در آسمان با بال‌هایش پرواز می‌کند روزی‌اش بر عهده خداوند است!
- (۴) هر جنبنده بر روی زمین و هر پرنده‌ای که در آسمان با بال‌های خود پرواز می‌کند روزی‌اش از جانب خداوند است!

۸۳۰- «كانت لهذا الرجل خصال حسنة تعجبني حقاً و أنا ما رأيتُ أحداً أجود منه في حياتي»:

- (۱) این مرد دارای خصلت‌هایی نیک است که واقعاً خوشم می‌آید و من کسی را بخشنده‌تر از او در زندگی‌ام ندیدم!
- (۲) در این مرد ویژگی‌های نیکویی بود که حقیقتاً مرا متعجب می‌ساخت چون من کسی را به مهربانی او در زندگی‌ام ندیدم!
- (۳) این مرد خصلت‌های نیکی داشت که من واقعاً خوشم می‌آمد در حالی که کسی بخشنده‌تر از او در زندگی‌ام ندیده بودم!
- (۴) این مرد صفاتی نیک داشت که حقیقتاً من از او خوشم می‌آمد در حالی که هیچ کس را بخشنده‌تر از او در زندگی ندیده بودم!

۸۳۱- «كنتُ قد مررتُ بحياتي بالأخطاء التي أرتكبها في شبابي ولكن حوادث الدهر المرّة أدبنتني تأديباً شديداً»:

- (۱) زندگی‌ام را گناهایی که در جوانی مرتکب می‌شدم تلخ کرده بود ولی اتفاقات تلخ روزگار به شدت مرا ادب کرد!
- (۲) با اشتباهاتی که در جوانی‌ام مرتکب می‌شدم زندگی‌ام را تلخ کرده بودم اما اتفاقات تلخ روزگار مرا شدیداً ادب کرد!
- (۳) با خطاهایی که در جوانی‌ام مرتکب می‌شدم زندگی‌ام را تلخ کردم ولی با اتفاقات تلخ روزگار به شدت ادب شدم!
- (۴) زندگی‌ام را با گناهایی که در جوانی مرتکب می‌شدم تلخ کرده بودم اما با حوادث تلخ روزگار شدیداً ادب شدم!

۸۳۲- «إذا واجهت هزائم فلا تكن خائباً لأن الهزائم تُعرّف عليك طرقاً جديدة للحصول على الغايات»:

- (۱) اگر با شکست‌هایی روبه‌رو شدى ناامید نباش؛ زیرا آن شکست‌ها راه‌های جدیدی را برای رسیدن به اهداف به تو معرفی می‌کنند!
- (۲) هرگاه برای رسیدن به اهداف با شکستی روبه‌رو شدى ناامید نباش؛ زیرا شکست‌ها مسیرهای جدیدی را به تو می‌شناسانند!
- (۳) هرگاه با شکست‌هایی روبه‌رو شدى نباید ناامید شوی؛ زیرا این شکست‌ها راه‌های جدیدی را برای دستیابی به اهداف معرفی می‌کنند!
- (۴) اگر با شکست‌ها روبه‌رو می‌شوی ناامید نشو چون شکست‌ها هستند که تو را با راه‌های جدید برای رسیدن به اهداف آشنا می‌کنند!

۸۳۳- عَيْنِ الْخَطَا:

- (۱) إِيَّاكَ و الكذب فإِنَّكَ تتعرَّضُ به لعداوة النَّاسِ: از دروغ پرهیز کن چون به وسیله آن در معرض دشمنی مردم قرار می‌گیری!
 (۲) لَنْ تعمُرَ الحِکْمَةُ فِي قلبٍ متکبرٍ بحسبِ نفسه عالماً: دانش در قلب شخص متکبری که خود را دانشمند می‌پندارد ماندگار نخواهد شد!
 (۳) لنتخلَّصُ من شرِّ ذنوبك الكبيرة التزم بالصدق: برای این که خود را از شر گناهان بزرگ بزهانی به صداقت پایبند باش!
 (۴) متى يَتِمُّ حَقْرُ أنفِاقٍ تربط طهران إلى الشمال؟: چه وقت کندن تونل‌هایی که تهران را به شمال وصل می‌کند، تمام می‌شود؟

۸۳۴- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- (۱) شَجَعْنَا لاعِباً مسروراً يخرج من الملعب: بازیکنی را که با خوشحالی از ورزشگاه خارج می‌شد، تشویق کردیم!
 (۲) هذا السمك العجيب يأكلُ الفرائس حَيَّةً: این ماهی شگفت‌انگیز شکارها را زنده می‌خورد!
 (۳) علينا أن نطعم هذه الطائفة مكسورةً جناحها: بر ماست که به این پرنده شکسته‌بال غذا بدهیم!
 (۴) وجدت الممرضة طفلاً مريضاً فأخذته إلى المستشفى: پرستار کودکی را بیمار یافت و او را به بیمارستان برد!

۸۳۵- «این وسیله فقط از فلزات رسانای گرما ساخته شده است!»:

- (۱) لا يُصنع هذه الآلة إلا من الفلزات الموصلة للحرارة!
 (۲) إنما صُنعت هذه الآلة من الفلزات الموصلة للحرارة!
 (۳) لم تُصنع هذه الآلة من فلزات موصلة للحرارة!
 (۴) إنما يصنعون هذه الآلات من فلز موصول للحرارة!

●● اِقْرَأ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ بِمَا يُنَاسِبُ النَّصَّ:

دَعَا نُوْحٌ ﷺ قَوْمَهُ إِلَى طَرِيقِ الْحَقِّ أَلْفَ عَامٍ إِلَّا خَمْسِينَ سَنَةً وَلَكِنَّ النَّاسَ لَمْ يَقْبَلُوا دَعْوَتَهُ إِلَّا بَعْضَ الضَّعْفَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ. أَمَرَ اللَّهُ نَبِيَّهٖ بِأَنْ يَصْنَعَ سَفِينَةً كَبِيرَةً. فَأَطَاعَ وَ بَدَأَ يَصْنَعُهَا بِمُسَاعَدَةِ الْمُؤْمِنِينَ. بَيْنَمَا كَانَ يَشْتَغَلُ بِهَذَا الْأَمْرِ يَسْتَهْزِئُ النَّاسُ مِنْهُ وَ يَقُولُونَ: لِمَ تَصْنَعُ هَذِهِ السَّفِينَةَ الْكَبِيرَةَ عَلَى أَرْضٍ خَالِيَةٍ مِنَ الْمَاءِ لَا يَنْزِلُ الْمَطَرُ عَلَيْهَا إِلَّا قَلِيلاً. فِي مِنتَصَفِ اللَّيْلِ كَانُوا يَكْسِرُونَ مَا صُنِعَ فِي الْيَوْمِ. لَكِنَّ نُوْحاً ﷺ مَا اهْتَمَّ بِكَلَامِهِمُ الْبَاطِلِ وَ لَمْ يَبْأَسْ مِنْ كُفْرِهِمْ وَ أَذَاهُمْ لِأَنَّهُ كَانَ قَدْ آمَنَ بِأَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ.

مَضَتْ السَّنَوَاتُ وَ اسْتَمْتَرَ نُوْحٌ عَمَلَهُ حَتَّى أَكْمَلَ السَّفِينَةَ الْعَظِيمَةَ. عِنْدَئذِ بَدَأَتْ السَّمَاءُ تُمَطِرُ ... بَعْدَ سَاعَاتٍ فَاضَتْ الْأَرْضُ مِنَ الْمَاءِ فَأَغْرَقَ جَمِيعَ مَا كَانَ عَلَى الْأَرْضِ غَيْرِ نُوْحٍ ﷺ وَ مِنْ رُكْبِ السَّفِينَةِ مِنْ أَصْحَابِهِ وَ بَعْضِ الْحَيَوَانَاتِ.

۸۳۶- لماذا كان النَّاسُ يستهزؤون من نوح ﷺ؟

- (۱) لأنه كان قد قام بصنع السفينة و هو شيخ!
 (۲) لأنهم كانوا يعتقدون أن نوحاً لن يقدر على صنع السفينة!
 (۳) لأنه كان يصنع سفينة كبيرة على أرض خالية من الماء!
 (۴) لأنه ما كان قد آمن به إلا الفقراء و المساكين!

۸۳۷- ما هو الصَّحِيحُ؟

- (۱) كان النَّاسُ كلُّهم يسعون أن يضعفوا عزم نبي الله!
 (۲) كان نوح قد قام بصنع السفينة في أرض لا مطر ينزل عليها!
 (۳) صنع السفينة استغرق وقتاً يقارب سنة واحدة!
 (۴) امتحن الله إيمان نوح و أصحابه بصنع سفينة كبيرة!

۸۳۸- عَيْنِ الْخَطَا:

- (۱) قام نوح ﷺ بصنع السفينة مرَّات!
 (۲) ما أعان النبي ﷺ في صنع السفينة أحدٌ إلا المساكين!
 (۳) إنَّ الكافرين لم يكسروا السفينة بعدما تمَّ صنعها!
 (۴) نزل مطر شديد لمدة أيام فأغرق جميع الكافرين!

۸۳۹- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- (۱) كان النبي يقوم بصنع السفينة ليلاً و نهاراً!
 (۲) عاش نوح ﷺ بين قومه أكثر من ألف سنة!
 (۳) كان النبي يعيش في أرض مجاورة بالبحر!
 (۴) ما ركب السفينة إلا من آمن بنوح ﷺ!

● عَيْنِ الْخَطَا عَنِ الْإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ:

۸۴۰- «استمرَّ»:

- (۱) فعل ماضٍ - مزيد ثلاثي من باب استفعال - معلوم - مبني/ فعل و فاعله «نوح»
 (۲) للمفرد المذكر الغائب - له ثلاثة حروف أصلية: «م ر ر» - متعدّ/ فعل و مفعوله «عمل»
 (۳) للغائب - مزيد ثلاثي على وزن «افتعل» - له ثلاثة أحرف زائدة - معلوم/ فعل و فاعل و الجملة فعلية
 (۴) فعل ماضٍ - مزيد ثلاثي - مضارعه: «يستمرّ» - اسم فاعله: «مستمرّ» - متعدّ/ فعل و فاعله «نوح»

۸۴۱- «أغرق»:

- (۱) فعل مضارع - للغائب - مزيد ثلاثي و مصدره «إغراق» - مبني/ فعل و فاعله «جميع»
 (۲) للمفرد المذكر - مزيد ثلاثي - له حرف زائد واحد - مجهول/ فعل و نائب فاعله «جميع»
 (۳) فعل ماضٍ - مزيد ثلاثي - مصدره على وزن «إفعال» - مجهول/ فعل و فاعله محذوف
 (۴) للمذكر الغائب - مضارعه: يُعْرَقُ - حرفه الزائد: «الهمزة» - مبني/ فعل و ليس له فاعل

۸۴۲- «المؤمنين»:

- (۱) جمع سالم للمذكر - اسم فاعل من فعل «يؤمن» - معرف بأل/ مضاف إليه و مجرور
- (۲) مفرد «المؤمن» - اسم فاعل من مصدر «أمن» - معرب/ منصوب و علامة نصبه «الياء»
- (۳) جمع سالم للمذكر - مأخوذ من فعل مزيد ثلاثي - معرب - معرفة/ مضاف إليه و مضافه «مساعدة»
- (۴) حروفه الأصلية: «ء م ن» - نونه مفتوحة دائماً - مصدره على وزن «إفعال» - معرفة

۸۴۳- عيّن الخطأ عن ضبط حركات الحروف:

- (۱) إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ مَنْ يُحَافِظُ عَلَى الصَّلَاةِ فِي وَقْتِهَا!
- (۲) عَلَيْنَا أَنْ نَكُونَ مُشْتَاقِينَ إِلَى الْأَعْمَالِ الصَّالِحَةِ!
- (۳) الْمَلْعُوعُ أَيْبَاتٌ أَنْشَدَهَا الشُّعْرَاءُ مَمْرُوجَةً بِالْعَرَبِيَّةِ وَالْفَارِسِيَّةِ!
- (۴) يَا بَنِيَّ، اتَّخِذْ أَلْفَ صَدِيقٍ لِأَنَّ الْأَلْفَ قَلِيلٌ!

۸۴۴- عيّن الصحيح:

- (۱) تَصَعُّ هذه الحية ذئبها في الزمل و تَقِفُ كالعصا. (متضاد) ← الميت، تجلس
- (۲) أَلْفَ الدكتور التونجي كتاباً يَضَمُّ الكلمات المعربة. (مرادف) ← يحتوي، المفردات
- (۳) جاء الجنود بالأسرى إلى رسول الله ليحكم عليهم. (مفرد) ← الجندي، الأسرة
- (۴) «الذي أطعمهم من جوع و آمنهم من خوف» (متضاد) ← الشّع، خشية

۸۴۵- عيّن الخطأ حسب التوضيحات:

- (۱) الرّيب: التردّد في قبول أمر أو تصديق كلام!
- (۲) العاصمة: أهمّ مدينة في البلاد يقع فيها مقرّ الحكومة!
- (۳) الرّداء: من ملابس نسائية لونها سوداء دائماً!
- (۴) الحقل: أرض واسعة صالحة للزراعة!

۸۴۶- عيّن ما يناسب للفراغ: «يحبّ الناس هذا المهاجم لأنّه سجّل أهداف في مباراة في من عمره!»

- (۱) عشرين - إحدى عشرة - الثلاثين
- (۲) خمسة - عشرة - العشرين
- (۳) ثمانية - أربع و عشرة - تسعة عشر
- (۴) تسعة - اثنتي عشرة - الثلاثين

۸۴۷- عيّن الخطأ عن استخدام اسم التفضيل:

- (۱) هذه الآية من آيات القرآن الكبرى في سورة «بقرة»!
- (۲) أختي الصغرى من فضلى تلميذات يدرسن في هذه المدرسة!
- (۳) أ تعرفين من كان أحقّ بالإجلال من الوالدين في حياتك؟
- (۴) خيرٌ أصدقائك من أثرك على نفسه في الشدائد!

۸۴۸- عيّن حرف «اللام» يختلف نوعه:

- (۱) بدأنا تُمارس أكثر من قبل لنحصل على الجائزة الذهبية!
- (۲) هذا السائق انكسرت يده فليؤخذ إلى المستشفى!
- (۳) ليهتمّ جميع المواطنين بالحفاظ على المرافق العامة!
- (۴) تلاميذ هذا الصفّ ليشاركوا كلّهم في تنظيف الحجرات!

۸۴۹- عيّن ما فيه جملة شرطية:

- (۱) ما شاهدتُ تقدماً في دروسى فتركتُ الدراسة!
- (۲) من جاء إلى باب بيت حاتم لا يرده خائباً!
- (۳) ما يسبب أن تصبح الأمطار حمضية في مدينتنا!
- (۴) من ينفقون أموالهم إلى الفقراء يجدونها عند الله!

۸۵۰- عيّن اسم علم تُبيّن حالته:

- (۱) يبقى المُحسن حياً و إن نُقل إلى منازل الأموات!
- (۲) اللهم اجعل أيامنا سعيدة مملوءة بذكرك!
- (۳) ينادي الوالد سعيدة مشغولاً بالمطالعة!
- (۴) يحبّ المسلمون الحسين ﷺ و هو سفينة التّجاة!

۴۳- **گزینه ۲** **کلمات مهم** «إِنّ»: بدون شک - «رَبّی»: پروردگارم - «ذو حکمة بالغة»: صاحب حکمتی کامل - «فجّهز»: پس مجهز کرده - «کَلّ إنسان»: هر انسانی - «بقوّة مفترکة»: به نیرویی اندیشمند - «لیفوق الشدائد»: تا بر سختی‌ها برتری پیدا کند
خطاهای سایر گزینه‌ها:

- ۱ که (اضافی است) - برتر باشد («یفوق» فعل اسنادی نیست)
- ۲ کلمه «ذو» ترجمه نشده است. - حکمتش («حکمة» ضمیری ندارد) - نیروی خرد («مفترکة» اسم فاعل است نه مصدر و هم‌چنین صفت است نه مضاف‌الیه!) - بتواند (اضافی است)
- ۴ انسان («کَلّ» ترجمه نشده است) - اندیشه‌ای نیرومند («قوّة مفترکة» یعنی «نیرویی اندیشمند»!)

۴۴- **گزینه ۱** **کلمات مهم** «إِذا»: اگر، هرگاه - «نتعاون کَلنا»: همگی همکاری کنیم - «فی تنظیف البیئة»: در پاکسازی محیط زیست - «بمکن أن نتخلّص»: امکان دارد که خلاص شویم - «من هذا الاغبرار الّذی یسبّب الأمراض المختلفة»: از این غبار آلودگی که باعث بیماری‌های مختلف می‌شود
خطاهای سایر گزینه‌ها:

- ۲ «کَلنا» ترجمه نشده است! - پاکیزگی («تنظیف» یعنی «پاک کردن»!) - خلاص شدن («نتخلّص» فعل است نه اسم!) - باعث شده («یسبّب» مضارع است نه ماضی!) - بیماری‌های مختلفی («الأمراض المختلفة» معرفه است نه نکره)
- ۳ غبارها («الاغبرار» مصدر و مفرد است نه جمع هم‌چنین «هذا» ترجمه نشده است!) - بیماری‌های مختلفی (مانند ۲)
- ۴ پاک نگاه‌داشتن (معادل دقیقی برای «تنظیف» نیست!) - عامل شده است (مانند ۲)

۴۵- **گزینه ۲** **کلمات مهم** «ما أجمل»: چه زیباست - «بلاداً یزین شعُها نفسه»: کشوری که ملتش خود را آراسته می‌کنند - «بالأخلاق الحسنة»: به اخلاق نیک - «فیصیرها أسوّة للبلاد الأخری»: پس آن را الگویی برای کشورهای دیگر می‌گردانند
خطاهای سایر گزینه‌ها:

- ۱ واقعاً زیباست («ما أجمل» دارای ساختار تعجب است و نباید به شکل خبری ترجمه شود!)
- ۲ آراسته‌اند («یزین» یک فعل متعدی و «نفس» مفعول آن است که ترجمه نشده است!) - خود را (ضمیر «ها» به «شعب» بازمی‌گردد!)
- ۳ بسیار زیباست (مانند ۱) - قرار می‌گیرند («یصیر» معلوم است نه مجهول، زیرا ضمیر مفعولی دارد!) - نیز (اضافی نیست).

۴۶- **گزینه ۲** خطاهای سایر گزینه‌ها:

- ۱ اتاق‌هایی که خالی‌اند (وَلَا «الحجرات» معرفه است نه نکره! ثانیاً «الفارغة» صفت از نوع اسم است نه جمله!) - همه ما (معادل «کَلنا» است نه «کَلّ متاً: هر یک از ما»)
- ۳ است که (اضافی است!)
- ۴ هنگامی که (معادل «عندئذ: در این هنگام» نیست!) - حرف «و» ترجمه نشده است!

آزمون ۳

۴۱- **گزینه ۲** **کلمات مهم** «یا أيّها الذین»: ای کسانی که - «آمنوا»: ایمان آوردید - «لِمَ تقولون»: برای چه می‌گویید؟ - «ما لا تفعلون»: چیزی که انجام نمی‌دهید

خطاهای سایر گزینه‌ها:

- ۱ ایمان دارید («آمنوا» ماضی است نه مضارع!) - ولی (اضافی است!)
- ۲ مؤمن هستید (مانند ۱) - انجام ندادید («لا تفعلون» مضارع است نه ماضی!)
- ۳ چه‌طور (معادل «لِمَ: چرا» نیست!)

۴۲- **گزینه ۲** **کلمات مهم** «قد اقترح»: پیشنهاد کرده‌ام - «لمعلّمتی»: به معلم خود - «أن تقوم بجمع النفايات»: به جمع کردن زباله‌ها بپردازیم - «فی ساحة المدرسة»: در حیاط مدرسه - «بعد انتهاء حصّة تُمارس فیها الزّمیلات نشاطات حرّة»: بعد از پایان زنگی که در آن همکلاسی‌ها فعالیت‌های آزاد انجام می‌دهند
خطاهای سایر گزینه‌ها:

- ۱ معلّمان («معلّمتی» یعنی «معلم من».) - پیشنهاد دادم («قد + ماضی» معادل ماضی نقلی است نه ماضی ساده!) - «فیها: در آن» ترجمه نشده است. - زباله‌های حیاط مدرسه (حرف «فی» در «فی ساحة» ترجمه نشده است!) - جمع‌آوری کنیم (معادل «نقوم بجمع» نیست! این عبارت به معنای «اقدام به انجام یک کار» است نه «انجام دادن یک کار»!)

- ۲ وقتی (اضافی است) - فعالیت («نشاطات» جمع است نه مفرد!) - پایان یافت («انتهاء» مصدر و اسم است نه فعل!)
- ۳ پیشنهاد داده بودم («قد اقترح» معادل ماضی نقلی است نه بعید!) - انجام («تُمارس» فعل است نه اسم!) - تمام شد (مانند ۲) - زباله‌های حیاط (مانند ۱)

۴۷- گزینه: خطای این گزینه:

این مکان‌ها (معادل «هذه الأماكن») است نه «هذه أماكن: این‌ها مکان‌هایی هستند که ...»!

۴۸- گزینه: **کلمات مهم** این مدرسه دارد: «لهذه المدرسة» -

چهارده کلاس: «أربعة عشر صفًا» - در هر کلاس: «في كلِّ صفٍّ» - سی دانش‌آموز: «ثلاثون تلميذة»
خطاهای سایر گزینه‌ها:

۱) هذه مدرسة (یک جمله بوده و معادل «این مدرسه‌ای است که ...» می‌باشد!) - أربعة و عشر (حرف «و» اضافی است!)

۲) صفوفًا (معدود اعداد یازده به بعد مفرد به کار می‌رود نه جمع!) - لكلِّ صفٍّ (معادل «هر کلاسی دارد» است نه «در هر کلاس!») - تلاميذ (معدود اعداد یازده به بعد مفرد به کار می‌رود نه جمع!)

۳) الرابعة عشرة («چهارده» عدد اصلی است نه ترتیبی!) - الصفوف («کلاس» مفرد است نه جمع! هم‌چنین به دلیل وجود کلمه «هر» باید اسم بعد از «كلِّ» به شکل نکره باشد نه معرفه!)

نویسه فنی نشی

اعداد «عشرون: بیست»، «ثلاثون: سی»، «أربعون: چهل» و ... برای مَنکر و مؤنث به یک شکل به کار می‌روند؛ پس در این سؤال بین «تلميذة» و «تلميذة» فرقی وجود ندارد!

۴۹- گزینه: ترجمه عبارت: «هر کس دشمنی بکارد، زیان درو

می‌کند!»

مفهوم عبارت: «پرهیز از دشمنی و مدارا با دشمن!»

چنین مفهومی در ۴ دیده نمی‌شود!

۵۰- گزینه: خطای این گزینه:

جمع تکسیر (جمع سالم مؤنث است و مفردش «آلة» می‌باشد!)

۵۱- گزینه: خطای این گزینه:

حروفه الأصلية «ج و د» (دقت کنید که ترتیب حروف رعایت نشده است و «و ج د» صحیح است!)

۵۲- گزینه: خطای این گزینه:

للغائبة (با توجه به معنای عبارت، «لا تجعلنا: ما را قرار نده» مخاطب است نه غایب!)

۵۳- گزینه: خطاهای این گزینه:

ذَهَبْنَا (فعل از صيغة متکلم مع‌الغیر است؛ بنابراین «ذَهَبْنَا: رفتیم» صحیح است!) - العاشر (عدد ترتیبی و بر وزن فاعل است؛ بنابراین «العاشر» صحیح است!)

۵۴- گزینه: کلمه «الوالدین: پدر و مادر» مثنی است!

در ۱) «أغصان: شاخه‌ها» جمع مکسر «عصن»، در ۲) «الفرستان: پیراهن زنانه» مفرد و «ألوان: رنگ‌ها» جمع مکسر «لون» و در ۳) «الغزلان: آهوها» جمع مکسر «غزال» است که هیچ‌کدام مثنی نیستند!

۵۵- گزینه: ترجمه عبارت: «کودکانی که شیر تازه نمی‌خورند

در بیشتر اوقات برایشان ضعف در ساق‌ها رخ می‌دهد!»

ترجمه گزینه‌ها:

۱) چه کسی برایش ضعف در ساق‌ها رخ می‌دهد؟

۲) چرا ضعف در ساق‌ها در کودکان رخ می‌دهد؟

۳) خوردن شیر تازه از کدام بیماری جلوگیری می‌کند؟

۴) چه زمانی کودکان شیر تازه می‌خورند؟ (بواب این سؤال رو نگفته!)

۵۶- گزینه: اسم اشاره و اسم پس از آن باید از لحاظ جنس و

تعداد با هم مطابقت داشته باشند. هم‌چنین برای جمع‌های غیر

انسان باید از مفرد مؤنث استفاده کنیم! «هاتین» و «الشجرتین» با

هم مطابقت دارند، اما در سایر گزینه‌ها چنین مطابقتی وجود ندارد!

حالت صحیح سایر گزینه‌ها:

۱) هذه الأشجار

۲) هذه الشمس (دقت کنید که «الشمس» مؤنث است!)

۴) هؤلاء الطالبات

۵۷- گزینه: با توجه به مخاطب قرار گرفتن «أخت: خواهر» فعل

باید صيغة للمخاطبة (أنت) به کار رود و «افتحي» صحیح است.

حالت صحیح سایر گزینه‌ها:

۱) یسکنان ۲) یجلبن ۳) تکتبن

۵۸- گزینه: برای شماره اتاق به عدد ترتیبی نیاز داریم. (رد ۱)

هم‌چنین برای عدد «یک» از «الواحد» استفاده می‌کنیم نه «الأول»

(رد ۲). در اعدادی مانند «۲۱، ۲۲، ۲۳ و ...» ابتدا یکان و سپس

دهگان را می‌آوریم. (رد ۴)

۵۹- گزینه: ترجمه گزینه‌ها:

۱) یازده ضرب در سه = سی و سه

۲) چهل منهای هفت = سی و سه

۳) شصت و شش تقسیم بر سه = بیست و دو

۴) بیست به علاوه سیزده = سی و سه

۶۰- گزینه: برای حل این سؤال اولاً: دقت کنید که گفته شده

«من ۱۹ تا هم‌کلاسی دارم، پس با خودِ اون شخص جمعاً ۲۰ تا

دانش‌آموز داریم. ثانیاً: آخرش گفته «خمس» یعنی $\frac{1}{5}$ بچه‌ها قبول

نشدند که می‌شه «۴» نفر. «نوزده هم‌کلاسی در کلاس دارم، همه

ما در امتحان موفق شدیم جز یک‌پنجم از ما!» چند دانش‌آموز در

امتحان موفق شده‌اند؟ (بواب می‌شه ۱۶)

ترجمه گزینه‌ها:

۱) شانزده ۲) چهارده

۳) چهار ۴) پنج

آزمون ۸

۱۴۱- گزینه ۳ **کلمات مهم** «لَمَّا»: زمانی که - «رَأَى الْمُؤْمِنُونَ

الْأَحْزَابِ»: مؤمنان گروه‌ها را دیدند - «قَالُوا»: گفتند - «هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ»:

این چیزی است که خداوند به ما وعده داده بود

خطاهای سایر گزینه‌ها:

۱ همان (معادل «ما: چیزی که» نیست!) - وعده‌ای «وَعَدْنَا» در این

آیه شریفه فعل است نه اسم!

۲ در این هنگام (معادل «لَمَّا» نیست!) - پس (اضافی است) -

وعده‌ای (مانند ۱)

۳ نیست (دلیلی برای منفی معنی کردن جمله وجود ندارد! دقت

کنید که «ما» از نوع موصولی است و مای نفی نمی‌باشد!) - وعده داده

بود (ضمیر در «وَعَدْنَا» ترجمه نشده است!)

۱۴۲- **گزینه ۲** **کلمات مهم** «بعدها»: بعد از آن که - «تشرّفنا»: تشرّف

تشرّف یافتیم - «بزیارة المدن الأربعة المقدّسة»: به دیدار چهار شهر مقدّس - «قصدنا مشاهدته»: قصد داشتیم مشاهده کنیم - «قصر بناه أحد الملوك الساسانیين»: قصری را که یکی از پادشاهان ساسانی آن را بنا کرده است
خطاهای سایر گزینه‌ها:

۱ چهارم («الأربعة» عدد اصلی است نه ترتیبی!) - مشرف شویم («تشرّفنا» ماضی است نه مضارع!) - قصد داریم («قصدنا» ماضی است نه مضارع!)

۲ قصدمان («قصدنا» فعل است نه اسم!) - ساسانیان («الساسانیين» صفت «الملوك» است و صفت در فارسی همواره باید مفرد ترجمه شود!)
۳ چهارم (مانند ۱) - ساخته است (ضمیر «ه» در «بناه» ترجمه نشده است.)

۱۴۳- **گزینه ۲** **کلمات مهم** «كنت أظن»: گمان می کردم - «أنّ

صوتاً تمتلكه الغربان»: صدایی را که کلاغ‌ها مالکش هستند - «لا تفهمه بقية الحيوانات»: بقیه حیوانات نمی فهمند - «ولكن»: ولی - «فهمت أخيراً»: به تازگی فهمیدم - «أنّه تحذیر أحياناً»: که بعضی وقت‌ها آن هشدار است - «لابتعاد عن خطر»: برای دور شدن از یک خطر
خطاهای سایر گزینه‌ها:

۱ گمان من («أظنّ» فعل است نه اسم!) - صداهایی («صوتاً» مفرد است نه جمع!) - کلاغ («الغربان» جمع مکسر «الغراب» است نه مفرد!)
۲ صدایی دارند («تمتلكه ...» جمله وصفیه است و در ترجمه باید قبلش از حرف «که» استفاده شود!) - نامفهوم است (معادل «لا تفهمه» نیست!) - سرانجام (معادل «أخيراً» نیست!) - دور کردن («ابتعاد» به معنای «دوری کردن» یا «دور شدن» است!)

۴ گمان کرده بودم («كنت أظنّ» معادل ماضی استمراری است نه ماضی بعید!) - معمولاً (معادل «أحياناً» نیست!) - دور کردن (مانند ۳)

۱۴۴- **گزینه ۳** **کلمات مهم** «نحن ایرانیون»: ما ایرانی هستیم -

«فنستطيع أن نشجع العالمين»: پس می توانیم جهانیان را تشویق کنیم - «بشراء صناعاتنا الیدویة و محاصيلنا الزراعیة»: که صنایع دستی و محصولات کشاورزی ما را بخردند - «لنحصل علی ثروات عظيمة»: تا به ثروت‌های بزرگی دست بیابیم
خطاهای سایر گزینه‌ها:

۱ ایرانیانی هستیم که می توانیم (دقت کنید که «نستطيع» جمله وصفیه نیست، چراکه قبلش حرف «ف» به کار رفته؛ بنابراین حرف «که» نادرست است!) - ثروتی («ثروات» جمع است نه مفرد!)

۲ ما ایرانیان («نحن ایرانیون» مبتدا و خبر و در واقع یک جمله کامل است و در ترجمه نیاز به فعل «هستیم» دارد!) - جهان («العالمين» جمع است نه مفرد!) - محاصيل (ترجمه نشده است.)

۴ تشویق می کنیم («نستطيع» در ترجمه لحاظ نشده است! و «أنّ نشجع» هم معادل مضارع التزامی است.) - دستاوردها (معادل «صناعاتنا الیدویة» نیست!)

ضریه فتنی نشی

وقتی در عبارت عربی یک ضمیر بیشتر از یک بار در عبارتی به کار بره که پیشون «وه اومه، می تویم از اون ضمیر فاکتور بگیریم و فقط یک بار ترجمه‌ش کنیم! مثلاً در «صناعاتنا الیدویة و محاصيلنا الزراعیة» ضمیر «نا» رو می تویم فقط یک بار ترجمه کنیم!

۱۴۵- **گزینه ۳** **کلمات مهم** «إذا نريد أن»: اگر می خواهیم که -

«يتعرّف السیاح»: گردشگران آشنا شوند - «علی معالم بلادنا الخلابة»: با آثار جذاب کشورمان - «لا بدّ من استخدام الطّرق الجديدة»: ناگزیر به استفاده از روش‌های جدید هستیم - «منها البطاقات البریدیة»: از جمله کارت‌پستال‌ها
خطاهای سایر گزینه‌ها:

۱ آشنا کنیم («يتعرّف» للغائب است نه للمتكلم مع الغير!) - باید (معادل «لا بدّ» نیست!) - جدیدی («الجديدة» معرفه است نه نکره!) - به غیر (معادل «منها»: از جمله «نیست!)

۲ کشور (ضمیر در «بلادنا» ترجمه نشده است!) - معرفی نماییم (مانند ۱) - نوینی (مانند ۱) - کارت‌پستال («البطاقات» جمع است نه مفرد!)
۴ جاذبه‌های تاریخی کشورمان (معادل «معلم الخلابة» نیست!) - نوینی (مانند ۱) - به غیر از (مانند ۱) - کارت‌پستال (مانند ۲)

۱۴۶- **گزینه ۲** خطاهای این گزینه:

تعدادی قرص آرام‌بخش (معادل دقیقی برای «عدد من الحبوب المهدئة»: تعدادی از قرص‌های آرام‌بخش» نیست!) - احتیاج داشتم («أحتاج: احتیاج دارم» مضارع است نه ماضی!) - بهبود بیابد («تسکین: بهبودیافتن» مصدر و اسم است نه فعل!)

۱۴۷- **گزینه ۱** خطاهای سایر گزینه‌ها:

۲ می نامیم («یسَمی»: نامیده می‌شود» مجهول و للغائب است نه معلوم و للمتكلم مع الغير!)
۳ سرت را بدون حرکت کردن چشمانت (اولاً «سرت» و «چشمانت» جابه‌جا ترجمه شده است و ثانیاً «تحريك: حرکت دادن» با «تحرك: حرکت کردن» متفاوت است!)

۴ آثار موجود (معادل «آثار تقع: آثاری که قرار دارد» نیست!)

۱۴۸- **گزینه ۲** **کلمات مهم** دشمنی دانا: «عداوة العاقل» - بهتر

است از: أفضل من - دوستی نادان: «صداقة الجاهل»
خطاهای سایر گزینه‌ها:

۱ عدوّ («دشمنی» مصدر است نه اسم نکره و معادل «عداوة» است!) - صديق («دوستی» مصدر است نه اسم نکره و معادل «صداقة» است!)
۳ عدوّ (مانند ۱) - یعقل («دانا» اسم است نه فعل!) - صديق (مانند ۱) - یجهل («نادان» اسم است نه فعل!)
۴ جهالة الصديق (معادل «نادانی دوست» است!)

۱۴۹- **گزینه ۲** ترجمه آیه:

«آیا مردم را به نیکی دستور می دهید و خودتان را فراموش می کنید؟!» مفهوم آیه: «یکسان نبودن حرف و عمل!»
چنین مفهومی در ۲ وجود ندارد.

۱۵۰- گزینه ۲ خطاهای سایر گزینه‌ها:

۱۵۸- گزینه ۱ در این عبارت «أربعین» مفعول و منصوب است نه مجرور!
در ۲ «الوالدین»، در ۳ «المعلمین» و در ۴ «المؤمنین» مضاف إلیه و مجرور بالياء هستند!

۱ معرب (همه فعل‌های ماضی، مبنی هستند!)

۲ علی وزن «فَعَال» (در اصل «ال + إله» است و بر وزن «فَعَال» نیست!)

۴ مبنی (معرب است! هر اسمی که «ال» داشته باشد معرب است.)

۱۵۱- گزینه ۲ خطاهای سایر گزینه‌ها:

۱۵۹- گزینه ۲ اعراب صفت تابع موصوف است. در ۱ «الغرفة» مجرور به حرف جرّ است؛ بنابراین «الثالثة» نیز مجرور است. در ۲ «عیون» مضاف‌الیه است، بنابراین «متحرّکة» نیز مجرور است. در ۳ «مناظر» مجرور به حرف جرّ است؛ بنابراین «الجمیلة» نیز مجرور است. در ۴ «قصیدتین» مفعول است، بنابراین «جمیلتین» هم منصوب است.

۱ للبعیدة (اسم اشاره به نزدیک است، پس «للقریبة» صحیح است!)

۲ مفرد و مؤنث (جمع مکسر «دواء: دارو» است؛ پس مذکر محسوب می‌شود!) - مضاف إلیه و مجرور (اسم پس از اسم اشاره هرگز مضاف‌الیه نیست، بلکه وابسته اسم اشاره است و در این‌جا چون «هذه» مفعول است «الأدویة» منصوب است!)

۳ جمعه «مکاتیب» («مکاتیب» جمع مکسر «مکتوب» است نه «مکتوبه» و جمع این کلمه «مکتوبات» است!)

۱۵۲- گزینه ۲ خطاهای سایر گزینه‌ها:

۱۶۰- گزینه ۳ در این عبارت، «طبیعة» خبر است، «ها» مضاف‌الیه و «الخلابة» صفت آن است، بنابراین هم موصوف است هم مضاف! در ۱ «أكبر» خبر و «مقابر» مضاف‌الیه آن است اما صفتی ندارد. در ۲ «أنفع» خبر و «هم» مضاف‌الیه آن است اما صفتی ندارد و در ۴ «مهذئ» خبر و «الأعصاب» مضاف‌الیه آن است اما صفتی ندارد!

۱ جمعه السالم «أیام» (جمع مکسر است نه سالم!)

۲ من «نظّف، یُنظّف» (واضح است که «موظّف» از «ن ظ ف» ساخته نشده است! این کلمه اسم مفعول از «وظّف، یوظّف» است!)

۴ مفرده «عمیل» (مفرد آن «عامل: کارگر» است! دقت کنید که جمع مکسر «عمیل: مزدور»، «عملاء» است!)

۱۵۳- گزینه ۳ خطاهای این گزینه:

اِکتَشَفَ (ماضی از باب افتعال است و باید بر وزن «اِفْتَعَلَ» باشد، بنابراین «اِکْتَشَفَ» صحیح است!) - تَنْبَعَثُ (مضارع از باب انفعال است و باید بر وزن «یُنْفَعِلُ» باشد، بنابراین «تَنْبَعِثُ» صحیح است!)

۱۵۴- گزینه ۳ عدد «ثلاثون» فاعل فعل «ینتفع» است!

در ۱ «الأولی» صفت «الآیة» است، در ۲ «أول» اسم «کان» است و در ۴ «الثلاثة» صفت «الأهرام» است! و «ألفاً» مفعول «تجذب» است.

۱۵۵- گزینه ۱ ترجمه گزینه‌ها:

۱ سقوط ماهیان از آسمان مردم را حیرت‌زده می‌کند! (نقش «الناس»: مفعول به)

۲ این مردم در روزی که در آن ماهی می‌بارد، جشن می‌گیرند! (نقش «الناس»: وابسته «هؤلاء»)

۳ پس از سقوط ماهیان، مردم آن‌ها را می‌گیرند برای پختنشان! (نقش «الناس»: فاعل)

۴ حیرت مردم از این پدیده بسیار زیاد بود! (نقش «الناس»: مضاف إلیه)

۱۵۶- گزینه ۲ در این عبارت «ما» از نوع نفی است و حرف می‌باشد

نه اسم، بنابراین هیچ نقشی نمی‌گیرد!

(خداوند چیزی بهتر از عقل را تقسیم نکرده است!)

۱۵۷- گزینه ۲ در این عبارت «ما» خبر و یک اسم مبنی است!

در ۱ «نباتات»، در ۳ «الطائر» و در ۴ «خیر» خبر است که همگی معرب هستند.

آزمون ۳۸

۷۶۱- **گزینه ۳** **کلمات مهم** «سجد الملائكة کلهم أجمعون»: همه فرشتگان با هم سجده کردند - «إلا إبليس استکبر»: مگر ابلیس که کبر ورزید - «کان من الکافرین»: از کافران بود خطاهای سایر گزینه‌ها:

- ۱ ولی (معادل «إلا» نیست!) - زیرا (معادل «و» نیست!)
- ۲ «أجمعون: با هم» در ترجمه لحاظ نشده است. - ابلیسی («إبلیس» اسم علم و معرفه است نه نکره!) - شد (معادل «کان: بود» نیست!)
- ۳ فقط (تنها زمانی می‌توانیم «إلا» را به شکل «فقط» ترجمه کنیم که جمله، منفی بوده و مستثنی‌منه محذوف باشد، اما در این‌جا چنین نیست!) - شد (مانند ۲)

۷۶۲- **گزینه ۳** **کلمات مهم** «من غصت عیناه»: هر که دیدگانش بر هم نهاده شود - «عن محارم الله»: از حرام‌های خداوند - «فلن يحضر»: حضور نخواهد یافت - «یوم القيامة»: در روز قیامت - «باکیاً»: گریان خطاهای سایر گزینه‌ها:

- ۱ بر هم نهد («غصت» مجهول است نه معلوم!)
- ۲ به محضر خداوند نمی‌رسد (معادل «لن يحضر» نیست!)
- ۳ بیوشاند (مانند ۱) - حاضرش نمی‌کنند (اولاً «لن يحضر» معادل آینده است نه مضارع و ثانیاً لازم است نه متعدی و مفعول ندارد!)

۷۶۳- **گزینه ۳** **کلمات مهم** «رَبِّ ذَنْبٍ يَفْرَحُ فَاعِلُهُ»: چه بسا گناهی که انجام‌دهنده‌اش را شاد می‌کند - «تفریحاً»: حقیقتاً (مفعول مطلق تأکیدی) - «عندما یرتکبه»: وقتی مرتکبش می‌شود - «ولکن»: اما - «یَبْقَى أَثْرُهُ الْمُؤَلَّمُ»: تأثیر دردناکش باقی می‌ماند - «مادام»: تا زمانی که - «لم یستغفرِ اللهُ»: از خدا آمرزش نخواست

- خطاهای سایر گزینه‌ها:
- ۱ «تفریحاً» مفعول مطلق تأکیدی است و در ترجمه لحاظ نشده است! - انجام می‌دهد (ترجمه دقیق برای «یرتکب» نیست.)
 - ۲ ارتکابش («یرتکب» فعل است نه اسم!) - نیامرزیده (معادل «لم یستغفر»: آمرزش نخواست» نیست! «یغفر: می‌آمزد» و «یستغفر: آمرزش می‌خواهد»!)
 - ۳ انجام‌دهنده (ضمیر در «فاعله» ترجمه نشده است!) - بیمارزد (مانند ۲) - ضمناً «تفریحاً» ترجمه نشده است.

۷۶۴- **گزینه ۳** **کلمات مهم** «یا أیتها الکریم»: ای بخشنده - «أیر»: روشن کن - «قلوبنا»: دل‌های ما - «بنور الإیمان بك»: به نور ایمان به خود - «إنارةً تهدینا»: آن‌گونه که ما را هدایت کند. («إنارة» مفعول مطلق نوعی و «تهدینا...» جمله وصفیه است!) - «إلی طریق الوزع»: به راه پرهیزگاری - «السداد»: صواب، درستی

- خطاهای سایر گزینه‌ها:
- ۱ آن که (اضافی است!) - ایمانی («الإیمان» معرفه است نه نکره!) - «بك» و «إنارة» در ترجمه لحاظ نشده‌اند!
 - ۲ «إنارة» در ترجمه لحاظ نشده است! - تا (معادلی ندارد!) - هدایت شویم («تهدینا» متعدی است و «نا» ضمیر مفعولی است!)

۳ پرهیزگاران (معادل «الْوَزَع» نیست!) - درستکاران (معادل «السَّداد» نیست)

ضربه فتنی نشی

وقتی پس از مفعول مطلق نوعی، جمله وصفیه به کار می‌رود، مصدر رو به شکل «به طوری که، به گونه‌ای که» ترجمه می‌کنیم!

۷۶۵- گزینه ۱ **کلمات مهم** «إذا أَسْرَ التَّشَاؤُمُ»: هرگاه بدبینی اسیر کند - «عَقْلٌ أَحَدٌ»: عقل کسی را - «یری أعمالَ الآخرين خدعةً»: کارهای دیگران را نیرنگ می‌بیند - «دائماً»: پیوسته - «فینفِضُ الناسَ»: پس مردم پراکنده می‌شوند - «من حوله»: از پیرامونش خطاهای سایر گزینه‌ها:

۲ اسیر شود («أَسْرَ» متعدی است نه لازم و «عَقْلٌ» که منصوب است مفعول آن است!) - کارهایی که دیگران می‌کنند («أعمالَ الآخرين» فعل ندارد!)

۳ به نظرش می‌آید (معادل «یری: می‌بیند» نیست!) - پراکنده می‌کند («ینفِضُ» از باب انفعال و لازم است نه متعدی، هم‌چنین مرفوع‌بودن «النَّاسِ» نشان می‌دهد که مفعول نیست و «مردم را» نادرست است!)

۴ تنگ‌نظری (معادل «التَّشَاؤُمُ» نیست!) - پراکنده می‌نماید (مانند ۳)

۷۶۶- گزینه ۱ خطاهای سایر گزینه‌ها:

۲ قطعاً پیشنهاد می‌کنم (معادل «مجالسة» که مفعول مطلق تأکیدی است می‌باشد و باید بر فعل «أَنْ تُجَالِسَ: همنشینی کنی» تأکید کند نه «أُقترح: پیشنهاد می‌کنم»!)

۳ قیمت («أسعار» جمع است.) - مگر این که («إذا: زمانی که» ترجمه نشده است!)

۴ زیر نظر گرفتن («بدأتُ أراقب» یعنی «شروع به زیر نظر گرفتن کردم»!) - بسیاری («أكثر: بیشتر» اسم تفضیل است!)

۷۶۷- گزینه ۲ خطای این گزینه:

کاهش («ینقص: کاهش می‌یابد» فعل است نه اسم!)

۷۶۸- گزینه ۲ **کلمات مهم** خداوندا: «اللَّهُمَّ» - مرا ننگه‌داری کن: «إحمني» - از تمام حادثه‌های ناگوار: «عن جميع الحوادث المَرَّة» خطاهای سایر گزینه‌ها:

۱ یا رب (معادل دقیقی برای «خداوندا» نیست!) - تحمینی («نگه‌داری کن» فعل امر است نه مضارع!) - حوادث مَرَّة («حادثه‌های ناگوار» معرفه است نه نکره!)

۳ حادثه مَرَّة («حادثه‌ها» جمع است نه مفرد؛ هم‌چنین «حادثه‌های ناگوار» معرفه است نه نکره!)

۴ تحمینی (مانند ۱)

۷۶۹- گزینه ۲ ترجمه آیه: «هر چیزی از بین رفتنی است مگر وجه او.»

مفهوم آیه: جاودانگی خداوند و هلاک‌شدن سایرین

چنین مفهومی در ۲ دیده می‌شود!

۷۷۰- گزینه ۲ خطای این گزینه:

معترف بالعلمیة («الْأَمُّ» اسم خاص نیست و معترف بآل است!)

ضربه فتنی نشی

در ۴ جمع «اجتهاد» رو به شکل «اجتهادات» نوشته که شاید فکر کنی اشتباهه، اما بد نیست بدونی که مصدرهایی رو که بیشتر از ۳ حرف دارن، با «ات» جمع می‌ندیم (مثل «امتحان» که جمعش می‌شه «امتحانات»!)

۷۷۱- گزینه ۲ خطای این گزینه:

مؤثت (مذکر است و «ت» تایی کشیده) علامت مؤثت نیست!) - جمعه «أموات» («أموات» مفردش «میت» است.)

۷۷۲- گزینه ۲ خطای این گزینه:

جمع تکسیر («الزمن: زمان» مفرد است نه جمع!)

ضربه فتنی

اگر «زمن» جمع بود، می‌شد جمع غیر انسان؛ پس باید باهش به شکل مفرد مؤثت رفتار می‌شد و فعل «يؤدّب» به شکل مکرر نمی‌اومد و «تؤدّب» نوشته می‌شد.

۷۷۳- گزینه ۲ خطاهای سایر گزینه‌ها:

۱ أصدقاء «أصدقاء» صحیح است! - تَوَجَّدُ (این فعل مجهول است به معنای «یافت می‌شود»، پس «تَوَجَّدُ» صحیح است!)

۲ آلا (این کلمه مخفف «أنا + لا» است که بعد از آن فعل مضارع می‌آید، اما چون «الفرصة» اسم است «إلا: مگر» صحیح است!)

۴ اِشْتَعَلَ (با دقت به معنای جمله این فعل باید ماضی باشد نه امر، پس «اِشْتَعَلَ» صحیح است!)

۷۷۴- گزینه ۲ در این عبارت جمله منفی و مستثنی منه محذوف است، پس اسلوب حصر داریم!

در ۱ اصلاً «إلا» نداریم، بلکه «ألا: أن + لا» است، پس خبری از اسلوب استثنا یا حصر نیست!

در ۲ «أحد» و در ۴ «شيء» مستثنی منه هستند و اسلوب استثنا داریم نه حصر!

۷۷۵- گزینه ۲ برای بیان چگونگی «قراءة القرآن» باید برای فعل

«قرأ، یقرأ» مفعول مطلق نوعی بیاوریم. در ۴ «قراءة» مفعول مطلق نوعی و «حسنة» صفت آن است.

در ۱ خبری از مفعول مطلق نیست و «عاملین» حال است.

در گزینه‌های ۲ و ۳ «قراءة» مفعول مطلق تأکیدی است، زیرا نه مضاف‌الیه دارد نه صفت! دقت کنید که «دائماً» در ۳ قید زمان است و صفت «قراءة» نیست!

۷۷۶- گزینه ۲ با توجه به ترجمه عبارت، «صاحب» منادا است!

ترجمه گزینه‌ها:

۱ پروردگار ما به ما کمک می‌کند، هرگاه که او را بخوانیم تا ما را از ظلمات جهل خارج کند!

۲ ای صاحب مزرعه، مانند ستمگران به نظام طبیعت تجاوز کردی!

۳ دانا در انجام کاری که عاقبتش را نمی‌داند شتاب نمی‌کند!

۴ پروردگار من کسی است که ما را در قبول دینش مختار قرار داد!

۷۷۷- گزینه ۳ سؤال از ما عبارتی را می‌خواهد که بتوانیم به شکل مثبت آن را ترجمه کنیم و تمام گزینه‌ها منفی هستند و «إلا» در آن‌ها به کار رفته است. برای این منظور باید اسلوب حصر داشته باشیم؛ یعنی مستثنی‌منه حذف شده باشد!
در ۳ مستثنی‌منه حذف شده و پاسخ صحیح است.
در ۱ «الکتاب»، در ۲ «الفواکه» و در ۴ «الحاضرين» مستثنی‌منه هستند و اسلوب استثنا داریم نه حصر!

۷۷۸- گزینه ۴ «إِنَّ» بر تمام جمله اسمیة بعد از خود و مفعول مطلق تأکیدی فقط بر فعل جمله تأکید می‌کند!
در ۴ «تهدیداً» مفعول مطلق تأکیدی است، پس بر «تهدّد» تأکید می‌کند.
در ۱ «إِنَّ» بر کلّ جمله «الله لا يهدي من ...» تأکید می‌کند!
در ۲ «تنزیلاً» مفعول مطلق تأکیدی است، پس بر «نزل» تأکید می‌کند.
در ۳ «توگلاً» مفعول مطلق تأکیدی است و بر فعل «یتوکلون» تأکید دارد ولی در این عبارت «إِنَّ» هم داریم که بر تمام جمله تأکید می‌کند.

۷۷۹- گزینه ۱ در گزینه‌های ۲، ۳ و ۴ مطمئنیم که بعد از منادا مضاف‌البیهی در کار نیست، اما در ۱ «أولاد» می‌تواند «أولاد» باشد که در اصل «أولادي» می‌باشد و مضاف به ضمیر «ی» است.

۷۸۰- گزینه ۴ مفعول مطلق در ساختار «فعل + مصدر همان فعل» به کار می‌رود. در ۴ «بلاعب» فعل جمله و «ملاعبة» مفعول مطلق است.
در گزینه‌های ۱ و ۲ چنین ساختاری به کار نرفته است (دقت کنید «متداخلة» مصدر نیست!). در ۳ هم «هجوماً» مفعول مطلق نیست به دو دلیل: ۱) «هجوم» در ابتدای جمله فعل نیست! ۲) «هجوماً» خبر «کان» است!

آزمون ۴۱

۸۲۶- **گزینة ۳** **کلمات مهم** «یا أیها الناس»: ای مردم - «إنا خلقناکم»: بی تردید ما شما را آفریدیم - «من ذکر و أنثی»: از یک نر و ماده - «جعلناکم شعوباً و قبائل»: به شکل ملت‌ها و قبایلی (گوناگون) قرار دادیم - «لتعارفوا»: تا یکدیگر را بشناسید
خطاهای سایر گزینه‌ها: **۱** نر و ماده («ذکر و أنثی» نکره است نه معرفه!) - ملت‌ها و قبیله‌ها («شعوباً» و «قبائل» نکره است) - قرار می‌دهیم («جعلنا» ماضی است نه مضارع!)
۲ نر و ماده (مانند **۱**) - پس (معادل «ل» نیست!) - بشناسید («لتعارفوا» مضارع است نه امر!)
۳ آفریده شدید («خلقنا» متکلم مع‌الغیر است نه مخاطب، ضمناً مجهول هم نیست!) - قبیله («قبائل» جمع است نه مفرد!) - قرار دارید (معادل «جعلنا» قرار دادیم» نیست!)

۸۲۷- گزینه ۲ **کلمات مهم** «هنالك»: وجود دارد (در ابتدای جمله) - «في أكثر المناطق من إيران»: در بیشتر مناطق ایران - «عمرات أثرية و ثقافية»: بناهایی تاریخی و فرهنگی - «یشتاق لزیارتها»: برای دیدن آن‌ها اشتیاق دارند - «سیاح كثيرون»: گردشگران بسیاری - «اشتیاقاً»: حتماً (مفعول مطلق تأکیدی) خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱) بسیاری («أكثر: بیشتر» اسم تفضیل است!) - ساختمان‌ها («عمرات» نکره است نه معرفه.) - دارند (معادل «هنالك: وجود دارد» نیست!)

۳) آن‌جا («هنالك» در ابتدای جمله به معنای «وجود دارد» است نه «آن‌جا!») - بسیار («كثيرون» صفت «سیاح» است نه قید فعل «یشتاق!») - «اشتیاقاً» که مفعول مطلق تأکیدی است ترجمه نشده است! ۴) بدون شک («اشتیاقاً» مفعول مطلق تأکیدی است و بر فعل جمله تأکید می‌کند پس باید قبل از فعل ترجمه شود و جابه‌جا است!) - بسیار (مانند ۳)

۸۳۱- گزینه ۲ **کلمات مهم** «كنتُ قد مررتُ حياتي»: زندگی‌ام را تلخ کرده بودم - «بالأخطاء التي»: با اشتباهاتی که - «أرتكبها في شباهي»: در جوانی‌ام مرتکب می‌شدم - «ولكن»: اما - «حوادث الدهر المُرّة»: اتفاقات تلخ روزگار - «أذبتني تأديباً شديداً»: مرا شدیداً ادب کرد - خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱) گناهان (معادل «الأخطاء» نیست!) - جوانی (ضمیر «ي» ترجمه نشده است) - تلخ کرده بود («مررتُ» متکلم وحده است نه غایب!) ۲) تلخ کردم («كنتُ قد مررتُ» معادل ماضی بعید است نه ماضی ساده!) - ادب شدم («أذبت» غایب است و معلوم نه متکلم وحده و مجهول!) ۴) گناهان (مانند ۱) - ادب شدم (مانند ۲)

۸۳۲- گزینه ۱ **کلمات مهم** «إذا واجهتُ هزائم»: اگر با شکست‌هایی روبه‌رو شدم - «فلا تكن خائباً»: ناامید نباش - «لأن»: زیرا - «الهزائم»: آن شکست‌ها - «تعرّف عليك طرقةً جديدة»: راه‌های جدیدی به تو معرفی می‌کنند - «للحصول على الغايات»: برای رسیدن به اهداف خطاهای سایر گزینه‌ها: ۲) برای رسیدن به اهداف (اولاً «للحصول على الغايات» مربوط به فعل «تعرّف» است نه «واجهتُ» و ثانیاً «الغايات» ضمیر ندارد!) - شکستی («هزائم» جمع است نه مفرد!) ۳) نباید ناامید شوی (در ترجمه نهی مخاطب از «نباید» استفاده نمی‌کنیم!) - اهداف («الغايات» ضمیر ندارد!) ۴) شکست‌ها (هزائم) نکره است نه معرفه! - هستند که (اضافی است!) - راه‌های جدید («طرقاً جديدة» نکره است نه معرفه!)

ضربه فتنی نشی

مواست باشه که هزائم» در ابتدا به شکل نکره اومه و در ادامه با «ال» اومه پس می‌شه الف و لامش رو به شکل «این» یا «آن» ترجمه کرد (مثل گزینه‌های ۱ و ۳) به وقت نگی اسم اشاره نیومه و این گزینه‌ها غلطن!!!

۸۳۳- گزینه ۳ خطای این گزینه: گناهان بزرگ (ضمیر در «ذنوبك» ترجمه نشده است!) - خود را برهانی (معادل «لتتخلص» برای این که رها شوی» نیست!)

۸۳۴- گزینه ۲ خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱) با خوشحالی («مسروراً» صفت «لأعباً» است نه حال و «بازیکنی خوشحال» صحیح است!) ۲) پرنده شکسته‌بال («مكسورة» حال است نه صفت و هم‌چنین ضمیر در «جناحها» ترجمه نشده است!) ۴) بیمار («مريضاً» صفت است نه حال و «کودکی بیمار را یافت» صحیح است!)

۸۳۵- گزینه ۲ **کلمات مهم** این وسیله: «هذه الآلة» - فقط: «إنما»، «إلا» - از فلزات رسانای حرارت: «من الفلزات الموصلة للحرارة» - ساخته شده است: «صُنعت» خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱) لا يُصنع («ساخته شده است» ماضی است نه مضارع!)

۸۲۸- گزینه ۲ **کلمات مهم** «ازدیاد استهلاك الماء»: زیاد شدن مصرف آب - «في السنوات الأخيرة»: در سال‌های اخیر - «أدى»: منجر شده - «إلى تقليل مصادر»: به کمبود منابع آن - «فهذا موضوع يهدد البيئة»: و این موضوعی است که محیط زیست را تهدید می‌کند - «الكائنات الحية»: موجودات زنده خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱) مصرف زیاد («ازدیاد» مصدر است و صفت «استهلاك» نیست!) - این موضوع (معادل «هذا الموضوع» است و «هذا موضوع» یک جمله کامل است نه یک گروه اسمی!) ۲) این موضوع (مانند ۱) - تهدیدکننده («یهدد» فعل است نه اسم!) - زندگی موجودات (معادل «الكائنات الحية» نیست!) ۴) کاهش داده است (فعل «أدى» به منجر شد به «ترجمه نشده است!» - تهدیدکننده (مانند ۲) - زندگی موجودات (مانند ۲)

۸۲۹- گزینه ۲ **کلمات مهم** «كل دابة على الأرض»: هر جنبنده‌ای که در زمین است - «أبي طائر يطير بجناحيه»: هر پرنده‌ای که با بال‌هایش پرواز می‌کند - «في السماء»: در آسمان - «رزقها على الله»: روزی‌اش بر عهده خداوند است خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱) پرنده‌ای («أبي: هر» ترجمه نشده است!) - در حال پرواز است (معادل دقیقی برای «یطير: پرواز می‌کند» نیست!) ۲) می‌جنبند («دابة» اسم است نه فعل!) - آن (معادل درستی برای «أبي» نیست) ۴) از جانب (معادل «من» است نه «على!»)

۸۳۰- گزینه ۲ **کلمات مهم** «كانت لهذا الرجل خصال حسنة»: این مرد خصلت‌های نیکی داشت - «تعجيني حقاً»: که من واقعاً خوشم می‌آمد - «و أنا ما رأيتُ»: در حالی که ندیده بودم - «أحدأ أجود منه»: کسی بخشنده‌تر از او - «في حياتي»: در زندگی‌ام خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱) است («كانت» ماضی است نه مضارع!) - و (واو حالیه است و به معنای «در حالی که» می‌باشد!) ۲) در (معادل «ل» نیست!) - چون (معادل واو حالیه نیست!) - به مهربانی (معادل «أجود» نیست!)

۸۳۹- گزینه ۲ ترجمه گزینه‌ها: ۱ پیامبر شب و روز به ساخت کشتی می‌پرداخت! (نه درگاه آفر شب‌ها مردم میومدن کشتی رو فراب می‌کردن پس شب‌ها کار نمی‌کردن!)

۲ نوح علیه السلام بیش از هزار سال در میان قومش زندگی کرد! (بله فقط نوهش و پناه سال قبل از این که خدا دستور ساخت کشتی رو بده قومش رو دعوت کرده بود!)

۳ پیامبر در زمینی کنار دریا زندگی می‌کرد! (نه درگاه مسفره اش می‌کردن برای همین که زمین قالی از آب بود!)

۴ فقط کسانی که به نوح علیه السلام ایمان آورده بودند سوار کشتی شدند! (نه بعضی از حیوانات هم برده بودند!)

۸۴۰- گزینه ۳ خطای این گزینه:

علی وزن «افتعل» (در اصل «استموز» بر وزن «استفعل» هست!)

ضربه فنی

بین «علی وزن افتعل» و «له ثلاثة أحرف زائدة» تناقض هست چون یکی می‌گه از باب افتعاله یکی استفعال!

۸۴۱- گزینه ۱ خطای این گزینه: فعل مضارع (با توجه به معنای متن «أغرق: غرق شد» ماضی مجهول است!) - فاعله «جمع» (مجهول است و فاعل ندارد بلکه نایب فاعل دارد!)

ضربه فنی

بین «مضارع» و «مبني» در این گزینه تناقض وجود داشت چون اگر هم مضارع بود جمع مؤنث نبود که مبني باشه!

۸۴۲- گزینه ۲ من مصدر «أمن» («مؤمن» اسم فاعل ثلاثی مزید است و مصدر آن «إيمان» است.) - منصوب («مساعدة» مضاف و «المؤمنين» مضاف‌الیه است؛ بنابراین مجرور است نه منصوب!)

ضربه فنی

وقتی ۲ تا گزینه می‌گن مضاف‌الیه هست یعنی هتما هست درگاه، چون سوال فظا رو می‌فواد و نمی‌شه که هر دو فظا باشن پس هتما مضاف‌الیه و مبروره نه منصوب!

۸۴۳- گزینه ۲ خطاهای این گزینه: إتخذُ (فعل امر باب افتعال است؛ بنابراین «اتخذ: بگیر» صحیح است!) - لآن (حرف «ل» فقط زمانی به شکل «أ» به کار می‌رود که قبل از ضمایر متصل (جز «ی» به کار برود یا بر سر خبر «إن» و برای تأکید بیاید! بنابراین «لآن» صحیح است!)

۸۴۴- گزینه ۲ خطاهای سایر گزینه‌ها:

۱ «الحیة: مار» متضاد «المیت: مرگ» نیست!

۲ «الأسرى: اسیران» جمع «الأسرة: خانواده» نیست!

۴ «خوف: ترس» متضاد «خشية: ترس» نیست!

۸۴۵- گزینه ۳

۱ شک: تردید در قبول یک امر یا باور کردن یک کلام!

۲ پایتخت: مهم‌ترین شهر در کشور که پایگاه حکومت در آن واقع است!

۳ عبا: از لباس‌های زنانه که همیشه رنگش سیاه است! 😊

۴ کشتزار: زمین وسیعی که برای کشاورزی مناسب است!

۲ لم تُصنع («ساخته شده است» مثبت است نه منفی! هم‌چنین «إلا» هم در جمله به کار نرفته که بتواند منفی را مثبت کند!) - فلزات موصلة «فلزات رسانا» معرفه است نه نکره!

۴ يصنعون (مانند ۱) - الآلات («وسیله» مفرد است نه جمع!) - فلز («فلزات» جمع است نه مفرد!)

ترجمه متن: نوح علیه السلام نهد و پنجاه سال قومش را به دین حق دعوت کرد اما مردم به جز برخی ناتوانان و بیچارگان دعوتش را نپذیرفتند. خداوند به پیامبرش دستور داد که یک کشتی بزرگ بسازد. پس اطاعت کرد و با کمک مؤمنان شروع کرد به ساختن آن. در حالی که به این کار مشغول بود مردم مسخره‌اش می‌کردند و می‌گفتند: چرا این کشتی بزرگ را روی زمینی خالی از آب می‌سازی که باران فقط کمی بر آن می‌بارد. در نیمه‌شب آن‌چه را که در روز ساخته شده بود می‌شکستند. ولی نوح علیه السلام به کلام باطلشان اهمیت نداد و از کفر و اذیتشان ناامید نشد؛ زیرا ایمان آورده بود که وعده خداوند حق است.

سال‌ها گذشت و نوح کارش را ادامه داد تا این که آن کشتی بزرگ را کامل کرد. در این هنگام آسمان شروع به باریدن کرد ... بعد چند ساعت زمین از آب لبریز شد و تمام آن‌چه روی زمین بود غرق شدند مگر نوح و هر کس از یارانش که سوار کشتی شده بود و برخی حیوانات.

۸۳۶- گزینه ۳ مردم چرا نوح را مسخره می‌کردند؟

ترجمه گزینه‌ها: ۱ زیرا در حالی که ساختن کشتی پرداخته بود که یک پیرمرد بود!

۲ زیرا آن‌ها اعتقاد داشتند که نوح قادر به ساخت کشتی نخواهد بود!

۳ زیرا او کشتی بزرگی را روی زمینی خالی از آب می‌ساخت! (متن دقیقاً به این اشاره کرده!)

۴ زیرا فقط فقرا و بیچارگان به او ایمان آورده بودند!

۸۳۷- گزینه ۲ ترجمه گزینه‌ها: ۱ مردم همگی سعی می‌کردند که عزم پیامبر را ضعیف کنند! («همگی» غلطه!)

۲ نوح به ساخت کشتی در زمینی پرداخته بود که هیچ بارانی بر آن نمی‌بارید! («هیچ» غلطه گفته بود «قلیلاً»!)

۳ ساخت کشتی زمانی حدود یک سال طول کشید! (متن گفته «مضى السنوات» یعنی چند سال نه یک سال!)

۴ خداوند ایمان نوح و یارانش را با ساخت یک کشتی بزرگ امتحان کرد! (بله دقیقاً)

۸۳۸- گزینه ۲ ترجمه گزینه‌ها:

۱ نوح علیه السلام بارها به ساخت کشتی پرداخت! (آره درگاه هرچی روزی سافت رو شب میومدن فراب می‌کردن دوباره می‌سافت!)

۲ کسی در ساخت کشتی به پیامبر علیه السلام کمک نکرد مگر بیچارگان! گفته بود که فقط بعضی از بیچارگان به نوح علیه السلام ایمان آورده بودن و در ادامه گفت باکمک مؤمنین سافته یعنی همون افراد ناتوان مؤمنان هستن!)

۳ کافران کشتی را نشکستند بعد از آن که ساختش تمام شد! (بله متن هم برای قبل سافت به این موضوع اشاره کرده بود!)

۴ باران شدیدی به مدت چند روز بارید و تمام کافران را غرق کرد! (چند ساعت نه چند روز!)

۸۴۶- گزینه ۲ ترجمه عبارت: «مردم این مهاجم را دوست دارند؛ زیرا گل در مسابقه در سن سالگی به ثبت رسانده است!»

در جای خالی اول «اهداف» معدود است و جمع، پس عددی بین ۳ تا ۱۰ لازم است چون فقط در این صورت معدود به شکل جمع به کار می‌رود (رد ۱) در ۳ «أربع و عشرة» نادرست است؛ زیرا «و» اضافی است و «أربع عشرة: چهارده» صحیح است. در جای خالی دوم «مباراة» معدود و مفرد است، پس نباید از اعداد ۳ تا ۱۰ انتخاب کنیم (رد ۲) و در جای خالی سوم یک عدد ترتیبی نیاز داریم (برای بیان سن از اعداد ترتیبی استفاده می‌شود!) و ۳ مجدداً نادرست می‌شود.

۸۴۷- گزینه ۲ در این عبارت «فُضلی تلمیذات» برای مقایسه به کار رفته، پس باید بر وزن «أفعل» به کار می‌رفت و «أفضل تلمیذات» صحیح است! اگر اسم تفضیل نقش صفت را داشته باشد باید از لحاظ جنس با موصوف مطابقت کند اما اگر برای مقایسه به کار برود حتماً باید بر وزن «أفعل» به کار برود.

۸۴۸- گزینه ۱ در این عبارت لام ناصبه (به معنای «تا») به کار رفته اما در سایر گزینه‌ها لام جازمه (به معنای «باید» به کار رفته است!) ترجمه گزینه‌ها: ۱ بیش از پیش شروع کردیم به تمرین کردن تا جایزه طلایی را به دست آوریم! ۲ این راننده دستش شکسته است پس باید به بیمارستان برده شود! ۳ همه هم‌وطنان باید به محافظت از اموال عمومی اهمیت دهند! ۴ دانش‌آموزان این کلاس همگی باید در تمیز کردن کلاس‌ها مشارکت کنند!

۸۴۹- گزینه ۲ در این عبارت، «جاء» فعل شرط و «لا یرده» جواب شرط است.

در ۴ «ینفقون» و «یجدون» نمی‌توانند فعل و جواب شرط باشند؛ زیرا هیچ تغییری نکرده‌اند (مجزوم نشده‌اند) و من موصولی داریم نه شرط!

ترجمه و بررسی گزینه‌های دیگر:

- ۱ پیشرفتی در درس‌هایم ندیدم پس تحصیل را رها کردم! (مای نفی)
- ۲ هر کس به در خانه حاتم برود او را ناامید باز نمی‌گرداند! (من شرط)
- ۳ چه چیزی سبب می‌شود که باران‌ها در شهر ما اسیدی شوند؟ (مای پرسشی)

۸۵۰- گزینه ۲ در این عبارت «الحسین» اسم علم است و «هو سفینه النجاة» جمله حالیه است.

بررسی: ۱ «حیاً» حالت «المُحسن: نیکوکار» را بیان می‌کند، اما چون اسم شخص نیست اسم علم نمی‌باشد!

۲ «الله» اسم علم است و حالتش بیان نشده است! هم‌چنین «سعیده: سعادت‌مند» اسم علم نیست!

۳ «سعیده» اسم علم است اما «مشغولاً» حال و مذکر است، پس حالت «الوالد» را بیان می‌کند که اسم علم نیست!